ماندگار

روزنامۀ صبح افغانستان

چاپ همزمان: کابل – هرات

پخش همزمان: بلخ، پروان، پنجشیر، میدان وردگ و کاپیسا

www.mandegardaily.com

سال هشتم ❁ شمارۀ ۱۹۷۲ ❁ یک‌شنبه ۸ حوت / اسفند ۱۳۹۵ ❁ ۲۹ جمادی‌الاول ۱۴۳۸ ❁ ۲۶ فبروری ۲۰۱۷

پیامبر اکرم (ص)

علماء افراد امینی هستند که حجّتِ خدا بر خلقِ او می‌باشند.

مژده به اداره های دولتی، مؤسسه های داخلی و خارجی!

تا اکنون کارمندانی که تنخواه ماهانۀ شان را از طریق عزیزی‌بانک دریافت کرده‌اند، از ما خوشنود استند؛ چون عـــــزیزی‌بانک به «سرعت و دقت» تأکیـــــد دارد. شما هم می‌توانید در عزیزی‌بانک برای کارمندان‌تان «حساب معاش» ایجاد کنید و از خدمات رایگانِ ماشین‌های اتومات صرافی ما بهره‌مند شوید.

عزیزی بانک
Azizi Bank
عزیزی بانک، بانک موردِ اعتماد همه

1515 www.azizibank.af

«ماهیت حکومت وحدت ملی وابسته به تغییر نظام است»

صفحه ۶

له مخدره موادو سره د مبارزې وزارت:

مخـدره موادو سـره مبـارزې لپـاره د خلکـو مرستـې ته اړتیـا ده

صفحه ٦

پاکستان همچنان در جادۀ خاکی

صفحه ۲

شهرداری کابل برنامۀ آدرس‌یابی شهری را آغاز کرد

عضو شورای ولایتی کابل:

کار شهرداری نمایشی است

صفحه ۳

«بسته‌شدن تورخم در درازمدت به سود ماست»

صفحه ۳

چگونه بحرانِ انتخابات را کاهش دهیم؟

صفحه ۲

سخن ماندگار

پاکستان

همچنان در جادهٔ خاکی

برخی از رسانه‌های خارجی به نقل از سرتاج عزیز مشاور امنیتِ ملی و امور خارجیِ نخست‌وزیر پاکستان گزارش داده‌اند که حکومتِ پاکستان قصد ندارد با طالبانِ افغانیِ جا گرفته در مرزهایش بجنگد.

این درحالی‌ست که چندی پیش، مقاماتِ پاکستانی طی یک نامه، فهرستی از تروریستان را به جانبِ افغانستان ارسال کردند و گفتند این‌ها در داخل خاکِ افغانستان علیه پاکستان فعالیت می‌کنند. حکومتِ این کشور از مقاماتِ افغانستان خواسته بود که این افراد را بازداشت کنند و به پاکستان تحویل دهند. موازی با این نامه، حکومت وحدتِ ملی از طریق وزارت خارجه، نامه و فهرستی شامل ۳۲ مرکزِ آموزشی و ۸۵ نفر از مقاماتِ ارشدِ گروه طالبان و دیگر گروه‌هایی را که علیه افغانستان در خاکِ پاکستان فعالیت دارند را به حکومتِ این کشور ارسال کرد و خواست که به دستگیری آن‌ها و توقیفِ مراکزشان اقدام شود.

این نامه‌دهی متقابل، پس از حملهٔ وحشتناک طالبان به زیارتگاه لعل شهباز ایالتِ سند که در آن شمار قابل توجهی از شهروندانِ پاکستان کشته و زخمی شدند، کلید خورد و این امیدواری ولو ضعیف را به وجود آورد که تروریسم و ویرانگری‌های آن، بالاخره هر دو کشور را به سمتِ موازنهٔ احسن در روابط و مطالبات از یکدیگر سوق داده و حکومتِ پاکستان از این‌پس برای حفظ نظم و امنیت عمومیِ مردمش، از ابزارسازیِ تروریسم و بازی دوگانه با طالبان دست برمی‌دارد و به سرکوبِ نیروهای تروریستی در خاکش می‌پردازد.

اما اکنون سخنان سرتاج عزیز، این امیدواریِ ضعیف را نیز واهی و بی‌اعتبار می‌نمایاند و ثابت می‌سازد که پاکستان با طالبان، پیوندی ناگسستنی یافته و تروریسم ابزاری چنان در تاروپودِ سیاست و دستگاهِ نظامی ـ استخباراتیِ این کشور ریشه دوانده که هرگز نمی‌توان علاقهٔ پاکستان از چنین بازی‌یی را قطع کرد و طرحی نو و دیپلماسیِ جدیدی برای آن ریخت.

پاکستان در دورانِ جنگِ سرد و نبردِ ایدیولوژی‌ها، استراتژیِ باج‌گیری از غرب و استیلاگری در منطقه و به‌ویژه افغانستان را برای خود طرح و تدوین نمود. افراطیت و بعدها تروریسم، کارتِ برندهٔ این بازی شدند و با روی کار آوردنِ طالبان در افغانستان، این انتباه و احساس برای حکومتِ نظامی و به‌ویژه سازمان استخباراتیِ این کشور (آی‌اس‌آی) به میان آمد که بازی با تروریسم، منبع عروج پاکستانِ آسیب‌پذیر از هند و افغانستان بوده و ادامهٔ آن نیز ضامنِ بقایِ این کشور در جهانِ پُرآشوب خواهد بود. دقیقاً چنین اندیشه و استراتژیی است که باعث شده حکومتِ پاکستان، صدها مورد حملهٔ خونبار و وحشتناک طالبان در شهرهایش را تحمل کند و بازهم به پرورشِ طالبان به عنوان ابزارِ استراتژیکِ خود در دنیای بین‌الملل ادامه دهد.

پاکستان طی این سال‌ها همهٔ تلاشش را به خرج داده که مرزها و شهرهایش را از زهرِ تروریسم و نیروهای تروریستی بیمه کند و در عوض، شر و سَم و ستم آن‌ها را به بیرون از مرزهایش و به‌طور عمده افغانستان صادر نماید. در استراتژی این کشور، طالبان به دو دستهٔ خوب و بد تقسیم شده‌اند. آن‌هایی که در پاکستان به جنگ و آشوب دست بزنند، بدون شک بد هستند و لایق سرکوب. و آن‌هایی که در افغانستان و احتمالاً دیگر کشورها بجنگند و با دهشت‌گری‌شان، حکومت‌های نامطلوب برای پاکستان و مطلوب برای نظام بین‌الملل را تضعیف کنند و باعث ریزشِ سیلِ کمک‌ها و یا بهتر بگوییم باج‌های جامعهٔ جهانی به این کشور شوند، طالبانِ خوب و لایقِ پرورش و نوازش‌اند.

اما چنان‌که ما همیشه گفته‌ایم، این نادرست‌ترین و غیرانسانی‌ترین بازی در سیاستِ جهانی و دنیای مدرن و بهم‌مرتبطِ امروز است. یقیناً تروریسم، اژدهایی‌ست که هرگز رام و اهلی نخواهد شد و هرکس چنین خیالی داشته باشد، خود را فریب داده و قربانی کرده است.

پاکستان باید درک کند که در گذشته، آن‌هم به دلایل و شرایطی، جهان می‌توانست بازی‌های پاکستان را تحمل کند؛ اما اکنون جهان در نفرت از تروریسم و تروریست‌پروری به‌سر می‌برد و هرکه خلافِ این موج حرکت کند، محکوم به زوال و فروپاشی‌ست.

احمد عمران

چگونه بحرانِ انتخابات را کاهش دهیم؟

رییس جدیدِ کمیسیون شکایت‌های انتخاباتی می‌گوید دولت نباید در برگزاری انتخابات شورای ملی، پیش از وارد کردنِ اصلاحات در نظام انتخاباتیِ کشور، اقدام کند. به گفتهٔ این مقام کمیسیون شکایات انتخاباتی، برگزاری انتخابات پیش از انجام اصلاحات می‌تواند همان تجربهٔ انتخابات‌های گذشته را تکرار کند.

به گفتهٔ عبدالعزیز آریایی رییس کمیسیون شکایات انتخاباتی، برگزاری انتخابات بدون انجام اصلاحات، عجولانه است و پیامدهای خوبی به دنبال نخواهد داشت. این سخنان دقیقاً در ادامهٔ خواسته‌هایی مطرح می‌شوند که پس از شکل‌گیریِ دولت وحدت ملی در برابرِ این دولت قرار گرفته است. دولت وحدت ملی که با امضای توافق‌نامهٔ سیاسی میان جناح‌های انتخاباتی به وجود آمد، در بخش‌های معینی متعهد شد که اصلاحات و تغییراتی را رونما سازد.

تعهداتِ دولت وحدتِ ملی به صورتِ روشن در توافق‌نامهٔ سیاسی درج شده و اگر انتقادی نسبت به کارکردِ این دولت وجود دارد، عمدتاً ناشی از عدم پایداری و تعهد آن به انجامِ این توافق‌نامه بوده است.

دولت وحدت ملی متعهد شده بود که اصلاحاتِ انتخاباتی را به صورتِ جوهری و عمقی صورت دهد و به جنجال‌هایی که عمدتاً پس از انتخابات به وجود می‌آیند، نقطهٔ پایان بگذارد.

بحث اصلاحات در نظام انتخاباتی، خواستهٔ یک تیم و یا جناح مشخص نبود که دولت وحدت ملی نسبت به آن بی‌اعتنایی نشان دهد. خواست اصلاحات در نظام انتخاباتی، محصولِ سال‌ها تجربه و تکرارِ آن در این عرصه بود که پس از آسیب‌شناسی‌های مشخص از سوی نهادهای مسوول به عنوان یک ضرورت اساسی در برابر دولت افغانستان قرار گرفت. این اصلاحات هم‌زمان خواستِ جامعهٔ جهانی به عنوان اصلی‌ترین حامیِ مالیِ انتخابات افغانستان نیز بوده است.

نهادهای بین‌المللی‌یی که پس از انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۹۳ خورشیدی اقدام به تحلیل و بررسی وضعیت کردند، به این نتیجه رسیدند که نظام انتخاباتی افغانستان از مشکلاتِ ساختاری و محتوایی فراوان رنج می‌برد و این نظام پاسخ‌گویِ خواست‌های شهروندانِ این کشور نیست. دولت وحدت ملی نیز در نخستین اقدام‌ها که با تأخیر نیز آغاز یافت، یک رشته برنامه‌ها را برای تغییر و اصلاح نظام انتخاباتی روی دست گرفت که متأسفانه به نتایج بنیادی منجر نشدند.

دولت وحدتِ ملی هرچند با به وجود آوردن کمیسیون اصلاح نظام انتخاباتی چنین وانمود کرد که می‌خواهد به تعهداتش در این عرصه عمل کند، اما دیدیم که اصلاحات بر پایهٔ پیشنهادهای این کمیسیون صورت نگرفت و به نحوی ریاست جمهوری افغانستان در عملی ساختن پیشنهادهای کمیسیون اصلاح نظام انتخاباتی، به صورتِ تعمدی بی‌اعتنایی نشان داد.

در مورد کمیتهٔ گزینش نیز چنین اتفاقی افتاد و عملاً این کمیته یک بار پس از تشکیل، منحل ساخته شد و بار دوم نیز با تأخیر و در میان موجی از نگرانی‌ها نسبت به عدم جانب‌داریِ اعضای آن، به کار خود آغاز کرد. دولت وحدت ملی پس از گذشت نزدیک به سه سال، کار مهمی که در عرصهٔ انتخابات انجام داده، تنها گزینش افراد تازه در کمیسیون‌های انتخاباتی بوده است و سوای این، هیچ گام مثبتِ دیگری را در این عرصه برنداشته است. درحالی‌که بحث اصلاحات در نظام انتخاباتی، تنها بردنِ اعضای پیشینِ کمیسیون‌های انتخاباتی به عنوان مشاورانِ رییس جمهوری و گزینش افراد دیگر به جای آن‌ها بوده نمی‌تواند. اصلاحات در نظامِ انتخاباتی زمانی معنا پیدا می‌کند که ضمن بررسیِ پروندهٔ اعضای کمیسیون‌های پیشین که در تقلب‌های انتخاباتی دست داشته اند، دولت در طرزالعمل‌ها، قوانین، لایحه‌ها و سیستم رای‌دهی نیز تغییرات و اصلاحاتِ اساسی را رونما سازد.

دولت وحدت ملی پس از گذشت نزدیک به سه سال، کار مهمی که در عرصهٔ انتخابات انجام داده، تنها گزینش افراد تازه در کمیسیون‌های انتخاباتی بوده است و سوای این، هیچ گام مثبتِ دیگری را در این عرصه برنداشته است. درحالی‌که بحث اصلاحات در نظام انتخاباتی، تنها بردنِ اعضای پیشینِ کمیسیون‌های انتخاباتی به عنوان مشاورانِ رییس جمهوری و گزینش افراد دیگر به جای آن‌ها بوده نمی‌تواند. اصلاحات در نظامِ انتخاباتی زمانی معنا پیدا می‌کند که ضمن بررسیِ پروندهٔ اعضای کمیسیون‌های پیشین که در تقلب‌های انتخاباتی دست داشته اند، دولت در طرزالعمل‌ها، قوانین، لایحه‌ها و سیستم رای‌دهی نیز تغییرات و اصلاحاتِ اساسی را رونما سازد

در حال حاضر، اعتماد مردم به نظام انتخاباتی کشور به‌شدت صدمه دیده و برگشتاندن این اعتماد، از فوری‌ترین اولویت‌های دولت وحدت ملی می‌تواند باشد. چرا مردم به پای صندوق‌های رای برونده درحالی‌که رای‌شان مورد دستبرد قرار می‌گیرد؟ چرا مردم در انتخابات شرکت کنند، در حالی که رای‌شان تعیین‌کننده نیست؟

یک بار به همین انتخابات اخیر امریکا نظر بیندازیم تا ببینیم که نظام انتخاباتی چیست. شاید دونالد ترامپ رییس جمهوری جدید امریکا با اعتراض شدیدِ مخالفانِ خود روبه‌رو شده باشد، ولی هرگز کسی نیامده نظام انتخاباتی این کشور را چنان زیر سوال ببرد که مردم نسبت به آن اعتماد خود را از دست بدهند. همین حالا هم که از هر امریکایی پرسیده شود، حتا امریکایی مخالف با ترامپ، قاطعانه می‌گوید که او در نتیجهٔ رای مردم به این سمت دست یافته است.

چرا در امریکا و یا دیگر کشورهای جهان، چنین اعتمادی به نظام انتخاباتی وجود دارد؟!

دلیل آن روشن است؛ چون همه بر سرِ یک مکانیسم رای‌دهی مشخص توافق کرده اند و آن را مورد اعتماد می‌دانند. این به معنای آن نیست که مکانیسم انتخاباتی کشورهای دیگر، بری از کاستی و خلاست؛ به هیچ صورت. آن‌ها نیز کاستی‌ها و خلاهای خود را دارند، اما چنان سیستمی را به وجود آورده اند که رای مردم همچنان می‌تواند نتیجه را اعلام کند. پس نتیجه می‌گیریم که نظام انتخاباتی افغانستان به هیچ صورت نظام مورد اعتماد مردم نیست و تا زمانی که این نظام به صورت همه‌جانبه مورد ارزیابی قرار داده نشود و اصلاحات لازم در آن به میان نیاید، همچنان انتخاباتِ افغانستان روندی بحران‌زا خواهد بود.

از جانب دیگر، دولت تنها به گفتنِ این‌که در سال آینده آمادهٔ برگزاری انتخاباتِ شورای ملی و شوراهای ولسوالی‌هاست، نمی‌تواند مسوولیت‌هایش را در این خصوص پایان‌یافته تلقی کند. هنوز به صورتِ دقیق مشخص نیست که دولت اراده‌یی به برگزاری انتخابات در سال آینده دارد و یا خیر؟ و از سوی دیگر، این انتخابات اگر قرار است برگزار شود، با چه مکانیسم و شیوه‌یی می‌خواهد صورت گیرد؟

سخنان رییس کمیسیون شکایات انتخاباتی به صورتِ تلویحی این ذهنیت را هم می‌تواند به وجود آورد که دولت آمادهٔ برگزاری انتخابات برای سال آینده نیست.

شهرداری کابل برنامۀ آدرس‌یابی شهری را آغاز کرد

عضو شورای ولایتی کابل:

کار شهرداری نمایشی است

ابوبکر صدیق

برنامۀ آدرس‌یابی شهری از سوی شهرداری کابل راه‌اندازی شده است.

عبدالله حبیب‌زی، سرپرست شهرداری کابل در تارنمای فیسبوک خود نگاشته که شهرداری کابل به منظور فراهم آوری سهولت و معیارهای شهری، برنامۀ "آدرس‌یابی" خویش را در دو مرحلۀ جداگانه و با روش‌های خاص، به همکاری تخنیکی دفترهیأت ملل متحد از ناحیۀ اول شهر کابل آغاز نموده است.

آقای حبیب‌زی گفته که قرار است، در مرحلۀ نخست این برنامه، سروی و ثبت خانه‌ها و کوچه‌ها با در نظر داشت موقعیت نواحی آن صورت گرفته و آدرس‌سازی به اساس شماره گذاری خانه‌ها و کوچه‌ها در نواحی مربوط صورت گیرد که از شمارۀ ۱ الی ۱۲۵۰ در هر گذر، خانه‌ها، شماره گذاری شده و یک سمت کوچه اعداد طاق و سمت دیگرآن اعداد جفت خواهد بود.

او افزوده که در ردیف خانه‌ها، برای ساحات خالی به مساحت ۳ بسوه، شمارۀ ریزرفی مدنظر گرفته می‌شود. کوچه‌هایی که قبلاً نام گذاری گردیده به حالت خود باقی می‌مانند، در سطح هر ناحیه، نام یک کوچه فقط یک بار تکرار می‌گردد که با نصب لوحه‌های مخصوص، شمارۀ خانه بر درب منازل و شمارۀ کوچه و ناحیه در چهارراهی ها نصب می‌گردد که ازین طریق برای شهروندان کابل در راستای آدرس‌یابی مکان‌های مورد نظر سهولت بهتر فراهم خواهد شد.

سرپرست شهرداری کابل، تصریح کرده که در این مرحله شهروندان به نقشۀ گوگل، تکنالوجی انترنت و تیلیفون‌های هوشمند یا "جی پی اس" وسایط نقلیه دسترسی داشته باشند، می‌توانند با استفاده از نمبر خانه، اسم یا شمارۀ کوچه و نمبر ناحیه به راحتی و خودکار جهت یابی،آدرس مورد نیاز را بدون کمک دومی پیدا کنند.

او نگاشته است:کسانی‌که به تکنالوجی فوق‌الذکر دسترسی نداشته باشند که بیش از نیم جمعیت کابل را تشکیل می‌دهند، می‌توانند با داشتن معلومات نمبر خانه، اسم یا شمارۀ کوچه و نمبر ناحیهاز نقشه نواحی مربوطه و کسانیکه استفاده از نقشه را بلد نباشند با درخواست کمک اندک از مردم محل آدرس مورد نظر را دریابند.

او گفته که در مرحلۀ بعدی، برای مهیا ساختن سهولت‌های زیستی بیشتر برای شهروندان در امر آدرس‌یابی، کار بالای نرم افزار آنلاین آدرس‌یابی صورت گرفته که به گونه آنلاین و با استفاده از موبایل‌های هوشمند عمل می‌نماید.

به اساس نگاشته آقای حبیب‌زی، با شمارۀ مسلسل ۸ رقمی که در درب ورودی هر ساختمان درج شده، در نرم افزار خاص به صورت هوشمند، آدرس‌های چون ارگان‌های دولتی، شفاخانه‌ها، پارک‌ها، کارخانه‌جات و منازل رهایشی در اختیار هر جستجو کنندۀ قرار خواهد گرفت که این مرحله که بعد از سه سال آینده عملی خواهد شد که با داشتن شمارۀ مسلسل ۸ رقمی بالای درب ورودی با استفاده از تیلیفون هوشمند (بدون استفاده از انترنت) یا آلۀ جهت یاب، آدرس مورد نظر را به شیوۀ جهت یابی الکترونیکی دریابند.

از سویی هم، داکتر عظیم الله نیازی عضو شورای ولایتی کابل با استقبال از این برنامۀ شهر داری کابل، درمصاحبه با روزنامۀ ماندگار می‌گوید که با عملی‌شدن این برنامه مشکلات شهروندان برای پیدا کردن آدرس کاهش می‌یابد.

آقای نیازی با بیان این‌که شهرداری کابل به کارهای کوچک رسیده‌گی کرده نمی‌تواند، افزود: در کشورهای دیگر برف و باران رحمت است، اما نسبت بی‌توجهی شهرداری کابل برف و باران در کابل به "زحمت" بزرگ برای شهروندان تبدیل شده است.

به گفتۀ او، شهرداری کابل باید به کارهای ابتدایی خود بیشتر توجه کند. زیرا شهروندان در حال حاضر به مشکلات زیاد در کوچه‌ها و پس‌کوچه‌هایشان گرفتار هستند.

او گفت که در ناجیه دهم که مردم در کوچه‌ها مشکلات زیاد دارند، "کوچه‌های ما نیم‌متر چقر شده" است. اما، شهرداری کابل هیچ توجهی به این ساحه نمی‌کند. درحالی که کار این کوچه‌ها یک هفته را در بر نمی‌گیرد.

این عضو شورای ولایتی کابل تأکید می‌کند که بیشتر این برنامه‌ها شهرداری کابل نمایشی و "فیشنی" است، اما شهرداری باید کارهای ابتدایی خود را به شکل درست انجام بدهد.

درهمین حال، شهروندان کابل نیز با استقبال از برنامۀ آدرس‌یابی شهرداری کابل می‌گویند که این برنامه در پیدا کردن نشانی خانه‌ها مشکلات را کمتر می‌سازد.

محیب فرهمند، دانشجو در مورد این برنامه می‌گوید که این برنامه شهرداری برای مردم سهولت‌هایی را ایجاد می‌کند تا در پیدا کردن کوچه‌ها و خانه‌های دوستان به مشکلاتی دچار نشوند.

هم‌چنان، کبیر یک باشندۀ کابل نیز باور دارد که برنامۀ آدرس‌یابی که از طرف شهرداری کابل راه‌اندازی شده کار نیک است، اما او ابراز امیدواری می‌کند که این برنامه مانند سایر برنامه‌های دولت کوتاه مدت و نمایشی نباشد.

«بسته‌شدن تورخم در درازمدت به سود ماست»

شماری از تاجران ملی و اعضای اتاق‌های تجارت و صنایع افغانستان می‌گویند که بسته‌شدن مرز تورخم و سپین بولدک به روی افغانستان در درازمدت به نفع کشور است.

مرز تورخم و سپین بولدک جزو شاهراه‌های حیاتی برای تجاران و اموال تجارتی افغانستان و پاکستان بود، اما از ده روز گذشته به این طرف دولت پاکستان این شاهراه‌ها را به روی تاجران دو کشور مسدود کرده است.

پاکستان پس از حمله بر زیارت شهباز قلندر سند دروازه‌های بنادر تورخم، سپین بولدک و غلام‌خان را به روی تاجران بسته کرده و ادعا کرده است که تروریستان از افغانستان وارد پاکستان می‌شوند؛ در حالی‌که دولت افغانستان به شدت این ادعای اسلام‌آباد را رد کرده است.

حسین علی مهرامی عضو اتاق‌های تجارت و صنایع افغانستان در این مورد به خبرگزاری جمهور گفت، بسته‌شدن مرزهای پاکستان به روی تاجران افغانستان، در دراز مدت به خیر تجارت و اقتصاد مردم کشور است.

هم اکنون حدود ٤٠ درصد تجارت افغانستان از بنادر غیر از بنادر پاکستان صورت می‌گیرد و حدود ٦٠ درصد تجارت از طریق بنادر پاکستان همانند تورخم، سپین بولدک و غلام‌خان صورت می‌گیرد.

آقای مهرامی گفت: اگر بسته‌شدن مرزهای پاکستان سبب شود که افغانستان مسیر تجارتی خود را تغییر دهد و بتواند ٦٠ تا ٧٠ درصد اموال تجارتی را از طریق بنادر کشورهای دیگر غیر از پاکستان وارد کند، در آن صورت بسته‌شدن مرزهای پاکستان در درازمدت به خیر تجارت و مردم افغانستان خواهد بود.

به گفتۀ وی، دولت افغانستان باید استفاده از بندر چابهار، شاهراه ابریشم و دیگر بنادر را با کشورهای دیگر بهتر و بیشتر فعال سازد تا مسیرهای بدیل برای بنادر پاکستان دریافت گردد.

او خاطرنشان کرد، اگر افغانستان بتواند سهولت‌های لازم را در استفاده از بنادر بدیل برای تاجران میسر سازد، رقابت اقتصادی در منطقه ایجاد می‌شود و آنگاه پاکستان نه تنها که مرزهای خود را به منظور اهداف سیاسی مسدود نخواهد کرد بلکه مجبور است سهولت‌های بیشتری برای تاجران و اموال تجارتی افغانستان فراهم سازد تا اقتصاد و تجارت آنکشور با رکود مواجه نشود.

در همین حال، مسافر قوقندی سخنگوی وزارت تجارت می‌گوید که بسته شدن بنادر تجارتی پاکستان تاثیر زیادی بر اوضاع اقتصادی افغانستان ندارد، زیرا به گفته وی، هم اکنون افغانستان برای واردات و صادرات، به پاکستان وابسته نیست و می‌تواند از طریق کشورهای آسیای میانه، ایران و چین، ضروریات مردم را رفع کند.

حسین علی مهرامی نیز می‌گوید، با بسته‌شدن بنادر تورخم و سپین بولدک، تنها تاجران، مصرف کننده‌ها و بازار افغانستان آسیب نمی‌بینند، بل‌که تاجران پاکستانی بیشتر آسیب می‌بینند.

به گفتۀ وی، در حالت عادی روزانه بیش از ۱۰۰ میلیون دالر عبور و مرور اموال تجارتی، چه صادرات به پاکستان، چه صادرات از پاکستان و چه واردات به پاکستان و چه واردات از طریق پاکستان صورت می‌گرفت که هم اکنون این تبادلات متوقف است.

اما خان جان الکوزی معاون اتاق‌های تجارت و صنایع کشور می‌گوید که بر اساس بررسی‌های این اداره، هم اکنون تاجران افغانستان و پاکستان به دلیل مسدودبودن مرزها، روزانه چهار میلیون دالر ضرر می‌کنند.

به گفتۀ آنان، دولت‌های افغانستان و پاکستان تحت هیچ شرایطی نباید مسایل اقتصادی و تجاری را ابزار سیاست خارجی خود قرار دهند، حتا اگر برخورد نظامی هم صورت گیرد.

با این حال، مسوولان اتاق های تجارت و صنایع افغانستان از دولت‌های افغانستان و پاکستان می‌خواهند که در زودترین فرصت، یک تدبیری را روی دست گیرند تا بنادر باز شود و مردمان دو کشور بیشتز از این متضرر نشوند.

از سوی دیگر، عمر زاخیل وال سفیر افغانستان در پاکستان نیز مسدود شدن بنادر پاکستان را مغایر با قوانین بین‌المللی خوانده و گفته که در این مورد با مقام‌های پاکستانی گفت‌وگو کرده و به زودی این بنادر باز خواهد شد.

آقای زاخیل وال دیروز در صفحه فیسبوک خود نوشته که بندر تورخم به شکل نسبی به روی افراد مریض و کهن‌سالان باز شده است.

مسدودشدن مرز تورخم برای باشنده‌گان عادی نیز مشکلاتی را به بار آورده زیرا برخی باشنده‌گان افغانستان برای تداوی نیز به پاکستان می‌روند.

بحثی ساده برای حمایت از آزادی و رقابت اقتصادی

مرتضی کاظمی

آیا در کشورهایی مانند مالزیا، کانادا، آلمان، ترکیه و امثال آن‌ها، قیمت و کیفیت مناسب کالاهای مختلف به وسیلهٔ سازمان‌های عریض و طویل مبارزه با گران‌فروشی به‌دست آمده است یا از طریق طراحی فضای سالمی برای رقابت اقتصادی آزادانه؟

آیا اصلاً در این کشورها سازمانی با عنوان سازمان نظارت بر قیمت‌ها یا مبارزه با گران‌فروشی و امثالهم وجود دارد؟ یا قیمت و کیفیت مناسب محصولات از طریق ایجاد فضایی برای رقابت منصفانه و آزادانه بنگاه‌های اقتصادی مختلف به‌دست آمده است؟

این نوشتار می‌کوشد تا به بررسی نگاه موسوم به «اقتصاد آزاد» یا به عبارت دیگر «اقتصاد رقابتی» در حوزهٔ حمایت از حقوق مصرف‌کننده‌گان در زمینهٔ دسترسی به کالاهایی با قیمت و کیفیت مناسب پرداخته و نقاط تمایز آن با دیدگاه کنترل دستوری و بخش‌نامه‌یی، قیمت‌ها را بررسی کند.

مبارزه با گران‌فروشی برای مردم مفهوم خاصی دارد. اولین و نزدیک‌ترین مفهومی که از این عبارت در ذهن بسیاری از ما نقش می‌بندد، به کنترل و نظارت سیستماتیک ارگان‌های دولتی و تشکل‌هایی خاص بر قیمت‌ها مربوط می‌شود. بر این اساس، سازمان‌های دولتی یا مسوولان اصناف، تعیین‌کنندهٔ مقدار سود عرضه‌کنندگان کالاها و خدمات هستند و موظف اند با نظارت کامل و دقیق، این سود را به نفع مصرف‌کننده کاهش دهند. سازمان‌های متصدی مبارزه با گران‌فروشی موظف اند گران‌فروش را مجازات کنند.

مرز مقدار سود و منافع حاصل از کسب‌وکار برای تشخیص گران‌فروشی چه‌گونه تعیین می‌شود؟ اجازه بفرمایید از زاویه‌یی متفاوت، پرسش دیگری مطرح کنیم. مردم سایر کشورها چه ذهنیتی از گران‌فروش و گران‌فروشی دارند؟ آیا مردم مالزیا، امریکا، سویدن یا برزیل هم معتقد اند گران‌فروش باید توسط سازمان‌های مربوطه مجازات شود. آیا مردم این کشورها مفهوم مبارزه با گران‌فروشی را می‌پذیرند؟ و اگر می‌پذیرند، آیا مفهومی که در ذهن آنان وجود دارد، مشابه با مفهومی است که اکثریت مردم در کشور ما به آن باور دارند؟ از نظر شهروندان اقتصادهای توسعه‌یافته که عادت کرده اند دو جنس بسیار مشابه (و البته با دو برند تجاری متفاوت) را با تفاوت قیمتی فاحش شناسایی کنند، چه کسی گران‌فروش است؟ آیا می‌توان با کسی که گران‌تر می‌فروشد، مبارزه کرد؟ برای مثال، از نظر این مردم آیا می‌توان به یک رستورانت گفت حق نداری غذاهایت را گران‌تر از رستوران مجاور بفروشی؟

این بحث را با یک خاطره ادامه می‌دهم. چند شب پیش برای خرید نان به فروشگاه کوچکی در مالزیا مراجعه کردم. این فروشگاه، بقالی کوچکی است که مشتریانش فقط سکنهٔ مجتمع مسکونی خاصی هستند و طبیعتاً تعداد مشتری محدودی دارد. معمولاً خرید نان را در این فروشگاه انجام می‌دهیم و سایر مایحتاج‌مان را از فروشگاه‌های زنجیره‌یی بزرگی که در اطراف‌مان هستند، خریداری می‌کنیم. یک بسته نان به قیمت سه‌ونیم رینگت خریداری کردم [۱]. چند شب بعد یکی دو خیابان دورتر و از مغازه‌یی دیگر همان بسته نان را به قیمت دوونیم رینگت تهیه کردم. اولین نکته‌یی که به ذهنم رسید، گران‌فروشی آن فروشگاه بود. کمی احساساتی شدم و به این فکر کردم که به صاحب آن فروشگاه تذکری بدهم. اما در روزهای بعد به این فکر کردم که آیا اساساً مجاز به چنین تذکری هستم؟ به چه دلیل باید به صاحب این فروشگاه بگویم چه مقدار سود برای فروش کالای خود تعیین کند؟ به چه دلیل باید آزادی تعیین قیمت که حق مسلم آن فروشنده است را حق خود بدانم؟ تنها اختیاری که من به عنوان مصرف‌کننده دارم، به انتخاب فروشگاه برای خرید مربوط می‌شود و صد البته همین انتخاب قوی‌ترین ابزار در کاهش قیمت اجناس آن فروشگاه به نفع مصرف‌کننده است. در چنین وضعیتی تولیدکننده‌گان و عرضه‌کننده‌گان هم مجبور خواهند بود به منظور افزایش هرچه بیشتر مشتریان و حداکثر کردن منافع خویش، بیشترین رضایت را برای مشتریان خود فراهم کند و ماحصل این تعامل، همان سیستمی است که می‌تواند جایگزین سازمان مبارزه‌کننده با گران‌فروشی باشد و در بلندمدت منافع تولیدکننده‌گان و نیز مصرف‌کننده‌گان را به‌طور همزمان تامین خواهد نمود.

آزادی اقتصادی و نقش آن در پویایی اقتصاد ملی

بحث «آزادی اقتصادی»، مساله‌یی است که در عین ساده‌گی، مفهومی بسیار کلیدی در تحلیل‌های اقتصادی محسوب می‌شود و امروزه به عنوان یک ارزش متداول در اکثر اقتصادهای پویای دنیا، مورد توافق قرار گرفته است. اشاره به این بحث ساده برای همهٔ کسانی که با مباحث ابتدایی اقتصاد خُرد و کلان آشنایی دارند، یادآور مفاهیمی هم‌چون «دست نامریی آدام اسمیت» [۲]، «تعادل جزیی» یا «تعادل عمومی» است [۳].

موسسهٔ «هریتیج» که به تهیهٔ شاخص مربوط به آزادی اقتصادی در کشورهای مختلف دنیا می‌پردازد، شاخص یاد شده را این‌گونه تعریف می‌کند: «آزادی اقتصادی به مجموع حقوقی اطلاق می‌شود که انسان را محق می‌داند بتواند تسلط کامل بر کار و مالکیت خویش داشته باشد. در جامعه‌یی که اقتصاد آزاد دارد، افراد در کار، تولید، مصرف و سرمایه‌گذاری آزادی کامل دارند. این آزادی باید از طریق دولت، محافظت و مورد حمایت قرار گیرد. در جامعه‌یی که به اقتصاد آزاد التزام دارد، دولت اجازه خواهد داد که نیروی کار، سرمایه و کالاها آزادانه بتوانند به کسب‌وکارهای مختلف وارد یا از آن‌ها خارج شده، کم‌ترین قید و بند برای محدود کردن این آزادی وجود خواهد داشت». بر این اساس دولتی که خود را ملتزم به حمایت و صیانت از آزادی اقتصادی می‌داند، برای حمایت از حقوق مصرف‌کننده و به قول معروف مبارزه با گران‌فروشی از ابزاری متفاوت از ابزارهای رایج در کشوری هم‌چون کشور ما استفاده می‌کند.

در این نوشته، هدف حمایت از زیاده‌خواهیِ زیاده‌خواهان نیست؛ بلکه تلاشی برای شناسایی ابزارهای مثمر ثمر برای کنترل پایدار قیمت‌ها در سطحی دارای میزان سود منصفانه است. دولت می‌تواند به جای جنگیدن با زیاده‌خواهان یا گران‌فروشان، با حمایت و محافظت از آزادی اقتصادی، سیستمی ایجاد کند که در بلندمدت هم منافع تولیدکننده‌گان و هم مصرف‌کننده‌گان کالاهای مختلف را به صورت هم‌زمان تامین کند. حمایت از مصرف‌کننده، شاید دارای اثراتی کوتاه‌مدت باشد، اما علم اقتصاد به این نتیجه رسیده است که برای حمایت دایمی، بلندمدت و اثربخش از مصرف‌کننده باید سیستمی مبتنی بر اصول اقتصاد آزاد بنا نهاد.

فشرده و کوتاه این‌که: جنگیدن با گران‌فروش، بی‌فایده است و هیچ‌گاه نمی‌توان کنترل قیمت‌ها با چوب و چماق را، جایگزین روش‌های علمی و منطقی نمود.

پی‌نوشت‌ها:

۱: رینگت واحد پول مالزی است.

۲: در اقتصاد و نظریهٔ اقتصادی بازار آزاد، «دست نامریی» (Invisible hand) هماهنگ‌کنندهٔ منافع شخصی و منافع اجتماعی است. این اصطلاح را نخستین‌بار آدام اسمیت به کار برد. از نظر او، دست نامریی در جامعه‌یی دارای بیشترین کارآیی خواهد بود که از شرایط رقابت کامل برخوردار باشد. به نظر آدام اسمیت، نفع شخصی مهم‌ترین عامل محرک فعالیت‌های اقتصادی است. اگر افراد در کسب نفع شخصی آزاد گذاشته شوند و هر فرد بتواند بدون مانع، نفع شخصی خود را تامین کند، آن‌گاه منافع اجتماع هم به بهترین شکل حاصل خواهد شد؛ زیرا اجتماع چیزی جز مجموع افراد تشکیل‌دهندهٔ آن نبوده؛ بنابرین منافع فرد و اجتماع هماهنگ و هم‌سو خواهند بود. (منبع: دکتر حسین نمازی. نظام‌های اقتصادی، چاپ سوم، ۱۳۸٤)

۳: مفهوم کلیدی در این مباحث، مفهوم ساده‌یی است که زیر عنوان «مودل عرضه و تقاضا» می‌شناسیم. مودل عرضه و تقاضا یک مدل اقتصادی است که اثر قیمت را بر مقدار در بازار رقابتی بررسی می‌کند. در این مدل، قیمت عامل موثری است که بر مقدار تقاضا و هم‌چنین مقدار عرضه و تولید کالاهای مختلف از طرف تولیدکننده‌گان اثر می‌گذارد و در نتیجه، بازار در قیمت و مقدار تولید و مصرف مشخصی به تعادل می‌رسد.

در بازار رقابتی، قیمت تعادلی و مقدار تعادلی یک کالا با عرضه و تقاضای بازار برای آن کالا تعیین می‌شود. در این مودل، قیمت تعادلی یک کالا برابر با قیمت مربوط به نقطه‌یی است که مقدار کالایی را که مصرف‌کننده‌گان حاضر اند در یک دورهٔ زمانی خاص بخرند، برابر می‌شود با مقداری که عرضه کننده‌گان آن کالا حاضر اند عرضه کنند.

آیا می‌دانستید؟

آیا می‌دانستید نقره صدها بار از مواد ضدعفونی، قوی‌تر است و ٦٥٠ نوع میکروب را از بین می‌برد؟

آیا می‌دانستید پلک زدنِ زنان، ۲ برابر پلک زدنِ مردان است؟

آیا می‌دانستید لایهٔ پوستی‌یی که آرنجِ دست را پوشانده، هر ۱۰ روز یک بار عوض می‌شود؟

آیا می‌دانستید مرغ با شنیدن موسیقی، بزرگترین تخم را می‌گذارد؟

آیا می‌دانستید مورچه‌های کارگر تا ۵ سال و مورچه‌های ملکه تا ۲۵ سال عمر می‌کنند؟

آیا می‌دانستید زنبور عسل ۲ معده دارد؛ یکی برای جمع‌آوری عسل و دیگری برای هضم غذا؟

آیا می‌دانستید حنجرهٔ زرافه، تار صوتی ندارد و این حیوان، گنگ است؟

آیا می‌دانستید افرادی که در اثر گزنده‌گی زنبور می‌میرند، بیش از افرادی هستند که در اثر مار گزیده‌گی می‌میرند؟

آیا می‌دانستید کشور تایوان از نظر موقعیت جغرافیایی، در خطرناک‌ترین نقطهٔ جهان قرار دارد؟

آیا می‌دانستید از یک درخت معمولی می‌توان ۵۰۰ تا ۱۰۰۰ کیلوگرام کاغذ تولید کرد؟

آیا می‌دانستید سالانه ٨٦ میلیون نفر به جمعیت جهان افزوده می‌شود؟

آیا می‌دانستید کوسه دارای ۳۵۰۰ دندان می‌باشد که از هیچ یک از آن‌ها استفاده نمی‌کند؟

آیا می‌دانستید هر فرد عادی در سرِ خود ۹۰ تا ۱۲۰هزار رشته مو دارد؟

آیا می‌دانستید طول رگ‌های بدن انسان٥٦٠هزار کیلومتر است؟

آیا می‌دانستید هنگام صحبت برای بیان هر کلمه، ۷۲ ماهیچه به کار گرفته می‌شود؟

آیا می‌دانستید اگر در یک سال هیچ یک از نسل‌های یک جفت مگس نرومادە از بین نروند، حجم مگس‌های متولد شده با حجم کرهٔ زمین برابر می‌شود؟

آیا می‌دانستید پروانه‌ها با پای خود مزه را احساس می‌کنند؟

آیا می‌دانستید قلب در هر دقیقه ٤/٧ لیتر خون در بدن پمپاژ می‌کند، به این ترتیب در یک روز حدود ٧٦٠٠ لیتر خون در بدن پمپاژ می‌شود؟

آیا می‌دانستید اگر شخصی ۷۰ سال عمر کند، قلب او در این مدت در حدود ۱۹۳ میلیون لیتر خون پمپاژ می‌کند و حدود ۲/۵ میلیارد بار می‌زند.

آیا می‌دانستید مغز انسان بیش از سایر اعضای بدن کار می‌کند و بیش از ۲۰ درصد انرژی بدن را مصرف می‌کند؟

آیا می‌دانستید کوچک‌ترین استخوان بدنِ انسان در داخل گوش قرار دارد؟

آیا می‌دانستید مردم اندونیزیا به ٣٦٥ زبان صحبت می‌کنند؟

راز هنر در اندیشه فیلسوف بدبین

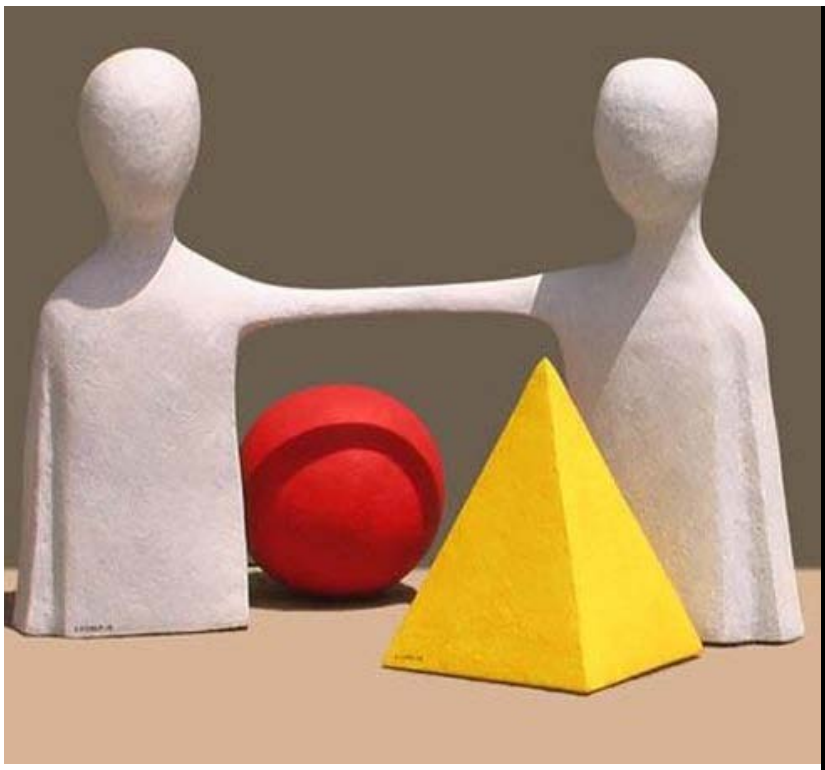

رازهایی در هستی وجود دارند که تا زمانی که در بند مفاهیم فلسفی و دلایل منطقی هستیم، نمی‌توانیم به سر و حقیقتِ نهفته در آن پی ببریم و تنها با حقیقتِ هنری است که آن رازها نقاب برمی‌اندازند.

هرگاه به یاری نشانه‌های زبانی و مفهوم‌سازی‌های فلسفی و علمی نتوانیم واقعیت، رویداد یا تجربه‌یی انسانی را بیان کنیم و به دیگری منتقل کنیم، به هنر پناه می‌بریم. چرا که هنر مسیری را می‌گشاید که با پای چوبین خردورزی و منطق استدلالی نمی‌توان از آن گذشت. هنر از رازهایی باخبر است که فلسفه در بالاترین لحظه‌های تاریخی‌اش فقط توانسته به وجود آن‌ها اعتراف کند. فلسفه و علم مدرن، ناتوان از گشایش راز هستی است و تنها گرهِ این راز به‌دست هنرمند و شاعر باز می‌شود. و این مسندی است که «فیلسوف بدبین»، آرتور شوپنهاور، هنر را بر آن می‌نشاند.

در سال ۱۸۰۸، آرتور شوپنهاور وارد دانشکدهٔ پزشکی شد اما رهیافت های درونی، او را به سمت فلسفه کشاند و بعدها برداشتی از جهان و زنده‌گانی بشر ارایه داد که هم تکان‌دهنده بود و هم ناسازگار با فلسفهٔ ایده‌آلیست‌های برجسته‌یی چون هگل، فیخته و شلینگ. او قضاوتش دربارهٔ فلسفهٔ آلمان چنین بود: «فلسفهٔ امروز آلمان حاصل دغل‌کاری هگل و شیادی شلینگ و فیخته است.» اما در عوض ستایشگر تفکر کانت و فلسفهٔ افلاطون بود. آشنایی‌اش با فلسفهٔ شرق و به‌ویژه عرفان بودایی، فلسفهٔ او را به‌شدت تحت تأثیر قرار داد. اما آرای او در زمانِ خود مورد توجه قرار نگرفت و سال‌ها بعد وقتی رد پای افکار و مفاهیم فلسفی‌اش در آثارَ نیچه، فروید، ویتگنشتاین، ریچارد واگنر، توماس مان و... مشاهده شد، تازه بعد از نیم قرن در جغرافیای اندیشه جایگاهی پیدا کرد و یکی از فیلسوفان تأثیرگذار قرن نوزدهم شد.

زنده‌گی سراسر شر است. از نظر شوپنهاور، «رنج» حقیقت زنده‌گی و بنمایهٔ اصلی آن است. و ریشهٔ همهٔ شرها، بنده‌گی «خواست» و فرمان‌برداری از «خواست زنده‌گی» است. آدمی بندهٔ خواست است و هنرمند می‌کوشد تعمق رها از خواست را موجب شود. شوپنهاور برای گریز از بنده‌گی خواست، دو راه پیشنهاد می‌کند که یکی موقت و دیگری دایمی و کلی است. راه نخست، ژرف‌اندیشیِ هنری است و دومین طریق، پارسامنشی و راه رستگاری است. به باور او، هنر و آفرینش زیبایی، راه‌حلی برای رهاییِ از خواست و پس زدنِ دنیا است. دنیای ما جلوه‌یی است از آن دنیای پنهان که منطق این جهان است. ما جهان نهایی و نهان را از راه نمایش یا بیان آن می‌شناسیم. دنیای ما «بیان» دنیای پنهان است، اما هنر نه «خواست» است و نه «بیانگری». و به این اعتبار از جهان دور است. ما با این جهان از طریق خواست رابطه پیدا می‌کنیم. اما جایی هست که انسان از شر خواست و بهره‌جویی رها می‌شود و آن، قلمرو هنر و زیبایی است. لحظهٔ زیبایی‌شناسانه، لحظهٔ آزادی «من» است از «خواست».

در اندیشهٔ شوپنهاور، زیبایی از هرگونه سود و بهره جداست و اگر چیزی به هر شکل مورد استفاده‌یی داشته باشد، بحث از زیبایی و هنر درباره‌اش بی‌معنا می‌شود. از نظر او، هنر ماحصل نبوغ است. نبوغ، عالی‌ترین شکل دانش آزاد از سلطهٔ «خواست» است، عالی‌ترین شکل علم خالی از هواهای نفسانی. نابغه می‌تواند در هر مورد جزیی، مورد همه‌گانی و کلی را مشاهده کند و دانایی او فراتر از دانش مرتبط با خواست است. نخستین جلوهٔ نبوغ، توانایی آفرینش هنری است و در مرتبه‌یی بالاتر، توانایی درک و ژرف‌اندیشی در آن است. نابغه کسی است که توانایی درک و شهود ایده‌ها را دارد. این‌سان نبوغ بارها فراتر از استعداد می‌رود. این فیلسوفِ بدبین معتقد بود نبوغ ویژهٔ مردان است، اما زنان گاه از «استعداد» بهره‌مند می‌شوند.

از نظر شوپنهاور برای زیبا خواندن پدیده‌یی، باید آن پدیده از بهره و سود رها باشد و مهم‌تر این‌که باید بتوان «ایده» را در آن تشخیص داد و هدف هنرمند، جدا کردن ایده از واقعیت و طبیعت است و هر چیز که به ایدهٔ خود نزدیک‌تر باشد، زیباتر است. هنرمند ایده را به گونه‌یی پیشاتجربی و ناآگاهانه تشخیص می‌دهد، اما مخاطب آن را به صورت تجربی و تا حدی آگاهانه می‌شناسد. ایده در واقع معنای نهایی ابژه و هستیِ باطنیِ آن است. شوپنهاور هنرمند و شاعر را یگانه شناسندهٔ ایده می‌داند و هنر را امکانی جهت تجربه‌یی زیباشناسانه به دور از میل و غرض می‌یابد. فرد در هنگام مشاهده به یک اثر هنری، باید مشاهده‌گری بی‌تعلق باشد، چون اگر به دیدهٔ سودجویی به آن اثر بنگرد، باز بندهٔ «خواست» است، اما اگر تنها و تنها ارزش هنری‌اش را در نظر آورد، آن‌گاه مدتی از بنده‌گی «خواست» آزاد می‌شود. وقتی انسان برای کشف و درک زیبایی به اثر هنری بنگرد، آن‌گاه می‌تواند هنر را به عنوان امکانی برای شناخت ذات حقیقیِ امور مد نظر قرار دهد. عمل هنر، رهایی دانش از قید اراده و ترک نفس و منافع مادیِ آن و ارتقا به مرتبهٔ شهود حقیقتَ است. مقصدِ علمْ جهان است، ولی هنر پدیده‌یی است و که جهان در آن پنهان است.

شوپنهاور به سلسله‌مراتبِ هنرها معتقد است. او تقسیم‌بندیِ هنرها را استوار بر میزانِ خودآشکاره‌گیِ ایده در ابژه می‌داند. هنرها به میزان دوری از ایده و نزدیکی به خواست، درجه‌بندی می‌شوند. از نظر او، نازل‌ترین هنر، هنر معماری است، چرا که از ایده دور مانده است و با مادهٔ بی‌جان سر و کار دارد.

و در مرتبه‌یی بالاتر از معماری، هنر گلشن‌آرایی و باغ‌آرایی را قرار می‌دهد. در مرتبه‌یی فراتر، هنر نقاشی و پیکرتراشی قرار می‌گیرد و شعر را هنری والاتر و ارجمندتر از آن‌های دیگر معرفی می‌کند، چرا که با مفاهیم سر و کار دارد. و بعد از هنر والای شعر، تراژدی را می‌گذارد، چرا که به عقیدهٔ وی، تراژدی خصلت حقیقی زنده‌گی آدمی را نمایان می‌کند؛ «بی‌عدالتی آن، شر آن و درد بی‌پایان آن». در تراژدی، سرنوشت حقیقی زنده‌گی بشر را می‌بینیم که در قالب هنر ریخته شده است.

اما جایگاه برتر در سلسله‌مراتب هنرها در نزد شوپنهاور از آنِ موسیقی است؛ هنری که به‌زعم وی تمثیل نیست، صورت محض است و توانایی آشکارسازی ماهیت واقعیت را برای آدمی دارد. او توصیفش از برترین هنر این‌گونه است: «موسیقی آن هنری است که خبر از «دنیای پنهان» می‌دهد. هر جا که کلام نتواند پیش رود، موسیقی آغاز می‌شود. موسیقی زبان بی‌تصویر دل است.» به باور شوپنهاور، هنر در تراژدی و موسیقی به کمال ظهور می‌رسد. نظریهٔ او در خصوص موسیقی، بعدها از جانب موسیقی‌دانان برجسته‌یی چون ریچارد واگنر و منتقدینی هم‌چون ادوارد هانسلیک بسیار مورد توجه قرار گرفت. واگنر می‌نویسد: «شوپنهاور نخستین کسی است که با روشن‌بینی فلسفی، وضع موسیقی را در میان هنرهای زیبای دیگر شناخت و تعیین کرد. او قدرت هنر را در بالا بردنِ ما از این عالم نفسانی می‌دانست و این‌که این قدرت به تمامی در موسیقی حضور دارد. موسیقی مستقیماً (و نه از راهِ تصورات) بر احساسات انسان اثر می‌کند. به همین دلیل از هنرهای دیگر، نافذتر و قوی‌تر است. موسیقی هم‌چون زورقی است که غریق منجلاب حیات را برمی‌گیرد و به بهشت آرزو می‌برد.»

منبع: آفتاب

دنیای سعدی در گلستان

گلستان سعدی برای خودش دنیایی است یا دست‌کم تصویری درست و زنده از دنیاست. سعدی و این کتاب، انسان را با دنیای او و با همهٔ معایب و محاسن و با تمام تضادها و تناقض‌هایی که در وجود او هست، تصویر می‌کند. در دنیای گلستان زیبایی در کنار زشتی و اندوه در کنار شادی است و تناقض‌هایی هم که عیب‌جویان در آن یافته‌اند، تناقض‌هایی است که در کار دنیاست. سعدی چنین دنیایی را که پر از تناقض و سرشار از شگفتی و زشتی است، در گلستان خود توصیف می‌کند و گناه این تناقض‌ها و زشتی‌ها هم بر دوش او نیست؛ بر خود دنیاست. نظر سعدی آن است که در این کتاب، انسان و دنیا را آن‌چنان که هست توصیف کند، نه آن‌چنان که باید باشد و دنیا هم مانند انسان آن‌چنان‌که هست، از تناقض و شگفتی‌های بسیار خالی نیست. این دنیا را سعدی نیافریده است، دیده است و درست وصف کرده است. دنیای عصر اوست، عصر کاروان و شتر و عصر زهد و تصوف و این دنیا را سعدی که "در اقصای عالم بسی گشته است"، زیر و روی آن را دیده است. گلستان او که تصویری فوری و عاجل از چنین دنیایی است، تنوعش از همین‌جاست. تنها گل و بهار و عشق و جوانی و شراب و شاهد نیست که در این "روضهٔ بهشت" دل را می‌فریبد. خار و خزان و ضعف و پیری و درد و رنجوری نیز در آن جای خود را دارد. اگر پادشاهی هست که شبی را در عشرت به روز می‌آورد و در پایان مستی می‌گوید: "ما را به جهان خوشتر از این یک دم نیست"، در کنار دیوار قصر او درویشی برهنه هم هست که به سرما بیرون خفته و با این‌همه از سر بی‌نیازی می‌گوید: "گیرم که غَمت نیست، غم ما هم نیست؟" اگر در جایی وزیری غافل هست که خانهٔ رعیت خراب می‌کند تا خزینهٔ سلطان آباد شود، جای دیگر هم پادشاهی عاقل هست که کودک دهقان را می‌بخشد و می‌گوید که: "هلاک من اولی‌تر است از خون بی‌گناهی ریختن". آن‌جا بازرگانی هست که صدوپنجاه شتر بار دارد و چهل بنده خدمتکار و با این‌همه سر پیری هوس دنیاجویی و دنیا گردی را یک لحظه از سر به‌در نمی‌کند. جای دیگر درویشی است که به غار در نشسته و در به روی جهانیان بسته و هیچ به اهل جهان التفات ندارد. در این دنیایی که هفت‌صدسالی است که خاکستر فراموشی و خاموشی بر روی آن نشسته است، هنوز همه‌چیز زنده و جنبنده است. هم سکوت بیابان و هم حرکت شتر را می‌توان دید و هم صدای تپش قلب عاشقی را که کسی جز خود سعدی نیست و در دهلیزخانه‌ها از دست محبوبی شربت گوارا می‌گیرد، می‌توان شنید.

بیان گولی‌ها و رسوایی‌هایی را که در این دنیا با احوال و اطوار انسان آمیخته است، بر سعدی عیب گرفته‌اند. گناه سعدی این است که نه بر گناه دیگران پرده می‌افکند و نه ضعف و خطای خود را انکار می‌کند. کدام دلی هست که در جوانی "چنان که افتد و دانی" در برابر زیبایی‌ها و دلبری‌های وسوسه‌انگیز خوبان بلرزد و و هوس و آرزوی گناه نکند؟ تا جهان بوده و تا جهان هست، انسان صید زیبایی و بندهٔ شهوت است و این سرنوشت ابدی و سرگذشت جاودانی بشریت خواهد بود. در این صورت آن‌جا که سعدی از عشق و جوانی سخن می‌گوید و شیفته‌گی و زیباپرستیِ خود را یاد می‌کند، سخن از زبان بشر می‌راند و پرمایه‌ترین، راست‌ترین و بی‌پیرایه‌ترین سخنانِ او همین‌هاست. تنها او نیست که شور و زیبایی دلش را به لرزه درمی‌آورد و عنان طاقت از دستش می‌رباید. آن زاهد بیابان‌نشین هم از ترس آن‌که در این راه نلغزد، به غار پناه می‌برد و باز وقتی به شهر می‌آید، صید غلامان خوب‌رو و کنیزان دل‌فریب می‌شود. تفاوت سعدی با ملامت‌گران و ریاکاران و دروغ‌گویان این است که سخنش مثل شکر پوست‌کنده است. نه رویی دارد و نه ریایی؛ اگر لذت گرم گناه عشق را به جان می‌خرد، دیگر گناه سرد و بی‌لذت دروغ و ریا را مرتکب نمی‌شود. راست و بی‌پرده اقرار می‌کند که زیبایی در هرجا و هر کس که باشد، قوت پرهیزش را می‌شکند و دلش را به شور و هیجان می‌آورد.

همین ذوق سرشار و دل عاشق‌پیشه است که او را با همهٔ کاینات مربوط می‌کند و با کبک و غوک و ابر و نسیم همدرد و همراز می‌سازد. باید دلی چنین عاشق‌پیشه و زیباپسند باشد تا مثل او، هر پستی و گناه و هر سستی و ضعف را ببخشاید و تحمل کند. نه از قاضی همدان و شاهدبازی او نفرت دارد و نه از ترش‌رویی زاهد بی‌ذوق و گران‌جان می‌رنجد. با این‌همه برای دل او نیز چیزی هست که از آن نفرت داشته باشد و تحمل آن را نکند: خودفروشی و ریاکاری که دنیای زیبای رنگارنگ را در نظر انسان تیره و سیاه می‌کند. برگرفته و خلاصه شده از بخش‌هایی از کتاب با کاروان حله، دکتر عبدالحسین زرین‌کوب.

اعضای مجلس و حقوق‌دانان:

اگر نظام سیاسی متمرکز تغییر نکند و قدرت و صلاحیت به نهادهای محلی واگذار نشود، ماهیت حکومت وحدت ملی زیر پرسش خواهد بود.
این اظهارات در واکنش به اظهارات رییس حکومت وحدت ملی مطرح می‌شود.
برخی از احزاب سیاسی و بدنه‌یی از نظام خواهان تغییر نظام سیاسی بر بنیاد توافق‌نامه سیاسی هستند. اما بخش دیگر، بر حفظ نظام کنونی تأکید می‌ورزند.
اشرف‌غنی به تازه‌گی در واکنش به گروه‌هایی‌که خواهان تغییر نظام هستند، هشدار داد که نظام سیاسی کنونی افغانستان بر بنیاد قانون اساسی شکل گرفته و هرگز قابل تغییر نمی‌باشد.
آقای غنی که پنجشنبه هفته گذشته (۵ حوت) در مراسم فراغت جمعی از افسر نظامی دانشگاه مارشال فهیم صحبت می‌کرد، تأکید کرد که پایه‌های نظام سیاسی افغانستان توسط مردم و نظامیان کشور حفظ خواهد شد.
اما فوزیه کوفی عضو مجلس نماینده‌گان، با انتقاد از اشرف‌غنی می‌گوید: حکومت وحدت ملی به معنای تقسیم ۵۰٪ قدرت سیاسی است و بدون اجرای توافق‌نامه سیاسی ماهیت حکومت وحدت ملی بی‌مفهوم می‌شود.
به گفته این عضو مجلس: بر اساس توافق‌نامه سیاسی باید شکل سیاسی نظام تغییر کند؛ اما مساله مهم‌تر اینکه باید افرادی در راس نظام قرار گیرند که باور به مشارکت و تقسیم قدرت و احترام به ساختارهای سیاسی - اجتماعی افغانستان داشته باشند.
به باور بانو کوفی: اما متاسفانه کمترین احترام و اعتنایی از دو طرف به توافق نامۀ سیاسی صورت نگرفته است؛ یک طرف بسیار با نرمی و تمکین به پیش می‌رود، طرف دیگر با جدیت برای انحصار قدرت تلاش می‌کند.
این عضو مجلس، نظام متمرکز در افغانستان را پاسخ‌گوی نیازهای مردم افغانستان نمی‌داند و باور دارد که باید نظام بسته‌یی که در حال حاضر در افغانستان حاکم است، تغییر کند.
بانو کوفی رییس‌جمهور غنی را یک فرد اقتدارگرا خوانده گفت: غنی یک فرد انحصارگرا بوده و برنامه‌های‌اش محدود به حلقه خاص مورد اعتماد خودش می‌باشد و حتا در سفرهای خارجی تمثیلی از سیاست‌ها و واقعیت‌های ملت افغانستان نمی‌کند.
بااین حال، صلاح‌الدین ربانی وزیر خارجه، تشکیل حکومت وحدت ملی را برای غیرمتمرکزشدن قدرت در افغانستان یک گام موثر اما بسنده و کافی نمی‌داند.
او که هفته گذشته در مراسم تجلیل از قیام سوم حوت سخن می‌گفت، تاکید کرد: تلاش ما برای تحقق نظام پارلمانی ادامه خواهد داشت؛ زیرا نظام غیر متمرکز خواست تمامی مردم افغانستان است.
آقای ربانی به صراحت بیان گفت: بهترین شیوه حکومتداری در افغانستان، نظام پارلمانی است که با برگزاری لویه جرگه و تعدیل قانون اساسی، نظام کنونی باید از متمرکز به نظام پارلمانی تغییر داده شود.
در سوی دیگر، گروه‌هایی که خواهان تغییر نظام هستند، افزایش می‌یابند. احزاب جمعیت اسلامی، حزب وحدت اسلامی، جنبش ملی و شماری دیگر از جریان‌های بانفوذ سیاسی خواهان تغییر نظام هستند.
درهمین حال، داکتر عبدالله نیز بر تغییر نظام تاکید کرده و وعده سپرده که به زودی کمیسیونی برای چگونه‌گی تغییر نظام تشکیل خواهد یافت و در این کمیسیون حقوقدانان روی اینکه نظام پارلمانی باشد یا صدارتی و چه نوع صدارتی باشد، بحث خواهند کرد.
و اما آقای غنی در مراسم فراغت از افسر نظامی دانشگاه مارشال فهیم، به صراحت عنوان کرد که نظام سیاسی کنونی افغانستان بر بنیاد قانون اساسی شکل گرفته و هرگز قابل تغییر نخواهد بود.
غنی در حالی حکومت وحدت ملی را برآمده از قانون اساسی می‌داند که انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۱۳۹۳ به دلیل تقلبات گسترده و سازمان یافته توسط کمیشنران کمیسیون‌های انتخاباتی به بحران رفت و جنجال‌های انتخاباتی تقریباً چهار ماه طول کشید و در نهایت با پادرمیانی جان‌کری وزیرخارجه پیشین امریکا و براساس یک توافق‌نامه سیاسی؛ حکومت وحدت ملی شکل گرفت و در نهایت قرار براین شد تا دو تیم انتخاباتی (اصلاحات و همگرایی و تحول و تداوم) ۵۰/۵۰ در قدرت سهیم شوند؛ براساس این توافق‌نامه اشرف‌غنی احمدزی رییس‌جمهور و داکترعبدالله رییس اجراییه برگزیده شدند.
قرار براین شده بود تا پس از سوگند وفاداری، بلافاصله اصلاحات در کمیسیون‌های انتخاباتی به میان آمده سپس تذکره‌های برقی توزیع شود تا زمینه برای برگزاری انتخابات فراهم شود و در نهایت زمینه‌ساز برگزاری لویه جرگه تعدیل قانون اساسی باشد.
پس از دوسال از عمر حکومت وحدت ملی تغییراتی در کمیسیون‌های انتخاباتی به وجود آورده شد؛ ولی اکنون به دلیل ناتوان بودن کمیشنران جدید کمیسیون‌های انتخاباتی به شدت مورد انتقاد قرار دارند، در سوی دیگر از توزیع تذکره‌های برقی به دلایل نامعلوم خبری نیست و نیز رییس جمهور غنی هم به حفظ نظام ریاستی همچنان پافشاری دارد.

نظام صدارتی یا پارلمانی؟

داکتر غنی به عنوان یک طرف دولت وحدت ملی، بر نظام ریاستی پافشاری دارد؛ اما طرف دیگر حکومت وحدت ملی به تغییر نظام ریاستی تاکید می کنند.
انان اما روی اینکه نظام پارلمانی باشد یا صدارتی و کدام نوع این‌ها، بحث و گفتگو دارند.
برخی‌ها طرفدار نظام فدرالی اند و شماری هم نظام صدارتی را برای غیر متمرکز شدن قدرت موثر دانسته و باور دارند که نظام صدراتی می‌تواند به اقتدارگرایی در افغانستان نقطه پایان بگذارد.
و اما نظام صدارتی و پارلمانی چه تفاوت‌ها، چه مزایا و چه نواقصی دارد؟
جعفر کوهستانی استاد حقوق دانشگاه کابل ضمن اینکه این‌که نظام ریاستی را بیش از حد؛ قدرت متمرکز به یک حلقه خاص می‌داند؛ می‌گوید: در نظام پارلمانی اساسات نظام تغییر می‌کند که یک سلسله قواعد و حقوق در نظر گرفته می‌شود که در کدام موارد رییس‌جمهور می‌تواند حکومت را منحل بسازد و در کدام موارد این حق را ندارد.
به گفته استاد کوهستانی: رییس‌جمهور در نظام پارلمانی رییس کل کشور و صدراعظم امور حکومت‌داری را در اختیار می‌گیرد، البته ریاست‌اجراییه در نظام پارلمانی در دو بُعد، مسوولیت جدی دارد، اول در برابر رییس‌جمهور و دوم در برابر پارلمان مسوولیت دارد.
به باور او مسوول بودن در برابر پارلمان به معنای مسوول بودن در برابر ملت است؛ بنابراین تا زمانی‌که نخست وزیر در نظام پارلمانی مرتکب اعمالی که قانون قبلاً آن را پیش‌بینی کرده است، نشود؛ رییس‌جمهور حق ندارد هرزمانی‌که خواست صدراعظم را برکنار کند.
استاد کوهستانی، مساله بسیار مهم را پیش‌بینی قانون در مورد تقسیم قدرت دانسته می‌گوید: چند نوع نظام ریاستی پارلمانی داریم؛ یکی رییس‌جمهور فعال داریم که صدراعظم سمبولیک است و دوم رییس اجراییه فعال داریم و رییس‌جمهور سمبولیک؛ اما محضر وحدت ملی خواهد بود.
وی تاکید کرد: رییس‌جمهور در نظام‌های فدرالی از طرف پارلمان‌های ایالاتی تعیین می‌شوند؛ اما نخست وزیر مستقیماً از طریق انتخابات حزبی انتخاب می‌شود؛ بنابراین چون در قانون افغانستان برای احزاب جایگاهی مشخص نکرده است، بنابراین در این مود ما با مشکل مواجه هستیم.

ناجیه نوری

ماهیت حکومت وحدت ملی وابسته به تغییر نظام است

پروژۀ همبسته‌گی...

با حکومت افغانستان، برنامه همبستگی ملی قابل تطبیق نبود.
نصیراحمد درانی، وزیر احیا و انکشاف دهات نیز تأکید کرد که برنامه همبستگی ملی در ساخت‌وساز زیربناهای زراعتی، جاده‌ها در روستای‌های افغانستان به صورت بسیار موثر تطبیق شده است.
وی گفت که برنامه همبستگی ملی در سال ۲۰۰۳ برای تغییر زنده‌گی مردم، فقرزدایی وساخت زیربناها در سرتاسر افغانستان طرح و آغاز گردید .
او تصریح کرد: دراین مدت ۸۶هزار پروژه به ارزش ۱.۵میلیارد دالر در سکتورهای مختلف تطبیق و به بهره برداری سپرده شده است.
وی تأکید کرد که برای تطبیق پروژه‌ها ۳۵هزار شورای بین روستاها ایجاد شد و ۷۰درصد بودجه برنامه همبستگی ملی از طریق شوراهای روستاها به مصرف رسیده است.
آقای درانی می‌گوید که از ۸۶هزار پروژه به دلیل ناامنی‌های بسیار جدی، ۶هزار پروژه آن در نقاط مختلف افغانستان به مشکل مواجه شده است.
وی افزود: طی برنامه همبستگی ملی ۵۳هزار کیلومتر سرک‌های روستایی، ۱۰۰هزار مبنع آب آشامدنی، ۱۰۰هزار کیلووات انرژی آبی و آفتابی، ۶۰هزار صنف‌های درسی وصدها مراکز صحی اعمار و ایجاد شده و بیشتر از یک میلیون هکتار زمین تحت آبیاری و زراعت قرار گرفته است.
درهمین حال، استف ندیکوا، رییس عملیاتی بانک جهانی ازتطبیق وبه پایان رسیدن برنامه همبستگی ملی ابراز خرسندی کرده و افزود که این برنامه تأثیرات مثبت بر زندگی مردم افغانستان داشته است.
وی گفت که بانک جهانی ادامه همکاری خود را با حکومت افغانستان تجدید نموده و علاقمند است که در برنامه میثاق شهروندی نیز درافغانستان سهم بگیرد.
گفتنی است که برنامه همبستگی ملی یکی از بزرگترین برنامه‌های حکومت افغانستان به حساب می‌آید که در چهارده سال گذشته در سرتاسر ولایات و روستاهای کشور تطبیق شده است.
حکومت افغانستان هدف برنامه همبستگی ملی را کاهش فقر، تهداب گذاری حکومتداری محلی و انکشاف روستا توسط مردم روستای اعلام کرده بود.
اکنون قرار است برنامه دیگری ملی زیر عنوان میثاق شهروندی برای ده سال آینده در کشور آغاز شده و در راستای فقرزادیی و بهبود زنده‌گی مردم تطبیق شود.
وزیر احیا وانکشاف دهات می‌گوید که آماده‌گی‌ها برای آغاز به کار این برنامه گرفته شده و قرار است تا ماه حمل یا ثور سال آینده مرحله اول آن آغاز شود.
آقای درانی گفت: خدماتی‌که در میثاق شهروندی ارایه می‌شود، در بخش‌های صحت، تعلیم و تربیه، اعمار زیربناهای زراعتی، ایجاد سرک‌ها و آب آشامیدنی می‌باشد.

له مخدره موادو سره د مبارزې وزارت:

مخدره موادو سره مبارزې لپاره د خلکو مرستې ته اړتیا ده

د افغانستان له مخدره موادو سره د مبارزې وزارت وایي، د دې موادو پرضد د مبارزې په لاره کې له ترسره شویو مرستو سره سره بیاهم دغه مواد، د یوې ستونزې په بڼه پرځای پاتې ده.
یاد وزارت، د هېواد په نا امنو او د حکومت له کنټرولە په وتلو سیمو کې، د کوکنارو د کښت زیاتوالی مني او د دې موادو پرضد، پر جدي مبارزې او د خلکو پر یووالي تاکید کوي.
د مخدره موادو پرضد مبارزې وزیره سلامت عظیمي وایي، د مخدرو موادو پرضد پیپو لړ پروګرامونه ترتیب کړي چې پلي کولو ته یې، د خلکو یووالی او مرسته ضروري ده.
هېرمن عظیمي د شنبې په ورځ په کابل کې د مخدره موادو پرضد د مبارزې د ولایتي مسؤلینو په ناسته کې وویل چې له یادو موادو سره د مبارزې په لارکې له شویو مرستو سره سره بیاهم، د کوکنارو کښت او د مخدرو موادو تولید د یوې ستونزې په بڼه پرځای پاتې او خلک یې اندېښمن کړي دي.
نوموړې زیاته کړه:
"نن د مخدره موادو شتون زمونږ د امنیت،ښې حکومتوالۍ او د قانون د حاکمیت په لاره کېږده جدي ستونزه ده، که همغږي ونه لرو، نو وروسته پاتې کېږو، همدارنګه نه شو کولی چې خپلو مطرح شویو پروګرامونو ته چې بیان کړي مو دي، ورسېږو."
هېرمن عظیمي وویل، د کوکنارو د کروندو اړول، د هېواد د ملي امنیت د شورا په اجنداء کې شامله شوې او ټول مسؤلیت لرو چې له پلي کولو سره یې، مرسته وکړو.
له مخدره موادو سره د مبارزې وزارت، د دغو موادو پرضد د مبارزې لپاره د "همغږي او د ظرفیتونو د لوړولو" ترنامه لاندې په کابل کېږده دوه ورځنۍ غونډه جوړه کړې چې د هېواد د ېلا ېلو ولایتونو د مخدره موادو پرضد د مبارزې مسؤلینو په کې برخه اخیستې ده.
دغه وزارت تېرکال د مخدره موادو پرضد د مبارزې لپاره د ملي عمل یو پنځه کلن پروګرام ترتیب کړی او همدارنګه یې په دې برخه کې د سیمې له ځینوګاونډیو هېوادونو له استازیو سره، پنځه اړخیزې ناستې هم ترسره کړي دي.
په ورته وخت کې د چاروپو هان د کوکنارو د کښت او د مخدره موادو د تولید د مخنیوي لپاره د خلکو مرسته ضروري ګڼي.
د مخدره موادو پرضد د مبارزې پخواني وزیر جنرال خدایداد په دې اړه ازادي راډیو ته وویل:
"د مخدره توکو پرضد د مبارزې وزارت هر کال هڅه کوي چې کمپاین وکړي، خو په خواشینۍ سره چې امنیتۍپر خراب دی، مبازره کول او همغږي رامنځته کول ګران کار دی، که حکومت نا امنو سیمو او ولسوالیو ته توجه وکړي او امنیت په کېټینګ کړي، بیا کولی شي چې همغږي او ګډې هڅې وکړي او خپل رول په ښه توګه ولوبوي."
د جنرال خدایداد په باور، نا امني، بېوزلي، بېکاري او داسې نورې نا خوالې په هېواد کې د کوکنار د کښت او د مخدره موادو د تولید عمده لاملونه دي او د یادو لاملونو د ورکولو لپاره هم باید مبارزه وشي.
د ملګرو ملتونو د راپور له مخې افغانستان د نړۍ په هغو هېوادونو کې شمېرل کېږي چې مخدره مواد پکې زیات تولیدېږي.
د مخدره موادو پرضد د مبارزې وزارت وایي، اوسمهال د هېواد په شلو ولایتونو کې کوکنار کرل کېږي چې نا امنه ولایتونه، لکه هلمند، ارزګان، بادغیس، بدخشان، ننګرهار، فراه او ځیې نور په کې شامل دي.

فیسبوک نامه

منان ناصح

نورجهان، پُر قدرت‌ترین زن مسلمان

شاید هیچ خانمی از فلات ایران به اندازهٔ «ملکه نورجهان» زرنگ، طناز، قدرت‌مند و سیاست‌مدار نبوده باشد. و شاید هم هیچ خانمی به اندازهٔ او در گسترش زبان و فرهنگ فارسی نکوشیده باشد. نورجهان یگانه زن پُر قدرتِ مسلمان بود که صاحب مهر و سکه به‌نام خویش شد و امور یکی از بزرگ‌ترین امپراتوری‌های جهان از پشت‌پرده هدایت کرد.

مهرنسا که پسان‌ها به «ملکه نورجهان» مشهور شد، دختر یکی از نخبه‌گان فارس بود که تقریباً ۴۰۰ سال پیش به سِمَت «وزیر» یا «اعتماد الدوله» در عصر نورالدین جهان‌گیر، شهنشاه مغولی هندوستان، ایفای وظیفه می‌کرد.

حکایت است، وقتی چشم شهنشاه در مراسم میلهٔ نوروز به مهرنسا در مینابازار دهلی افتاد، از طنازی و زیبایی او انگشت به دهان شدی و عاجل پیشنهاد ازدواج بکردی. مهرنسا که هم شاعر و هم خیلی زرنگ بود، در پاسخ بگفتی: وقتی شاه چیزی بخواهد، رعایا چه گزینهٔ جز اطاعت داشتی!

جهان‌گیر که از پدر و پدربزرگ، امپراتوری بزرگی و باثباتی به میراث گرفته بود، حال صاحب زنی شده بود که در زیرکی، دانش و پارسایی نیز همتایی در سرزمین هندوستان نداشت. همان بود که شهنشاه تا هنگام مرگ، دل‌باختهٔ او باقی بماند.

وقتی جهان‌گیر، به‌خاطر افراط در شراب‌نوشی و تریاک، لجام مملکت را نزدیک بود از دست بدهد، فرصتی پیشامد تا مهرنسا پیشاهنگ همه امور شود. گویند که از ۲۱ سال پادشاهی جهان‌گیر، امور مملکت در ۱۵ سال پسین کاملاً در دست مهرنسا بود. او در پهلوی ترویج فرهنگ، ادبیات فارسی و شهرسازی، به هنر و موسیقی نیز پرداخته و در بهبودی زندگی زنان نیز همت گماشت.

مهرنسا بسیاری دانشمندان، اهل هنر و ادب و موسیقی از فارس و خراسان به هندوستان فراخواند و در منصب‌های کشوری و هنری تعبیه کرد. و هم با رندی خاص، برادر زاده‌اش یعنی ارجمند بانو که مثل او زیبا و پارسا بود، را به عقد پسراندر خود یعنی شاه جهان در آورد. ارجمند بانو یا «ممتاز محل» مثل عمه چنان خرد، فرهنگ و پارسایی بخرج‌دادی که با مرگ او، شاه جهان اشتیاق تخت و تاج از دست داد و بنای «تاج محل»، یکی از هفتمین عجایب دنیا را به یادگار او بساخت. بعدها مهرنسا و جهان‌گیر هم در دو بنای زیبا در حواشی لاهور برای همیش به‌خواب شدند. تقریباً ۴۰۰ سال پس از این دو زنِ پارسا و قدرت‌مند، حال از زنان ما چه که حتا از مردانِ ما هم مپرس! به‌گفتهٔ حضرت فردوسی:

به یزدان که گر ما خرد داشتیم
کجا این سرانجام بد داشتیم

این هم یکی از اشعار ملکه نور جهان:

دل به صورت ندهم ناشده سیرت معلوم
بندهٔ عشقم و هفتاد و دو ملت معلومپ
زاهدا هول قیامت مفگن در دل ما
هول هجران گذراندیم و قیامت معلوم

صبور رحیل

با گذشت هر روز، استبداد در افغانستان نیرومندتر می‌شود. این‌جا تنها یک نفر حکومت می‌کند.

با گذشت هر روز، استبداد در افغانستان ژرفا و پهنای بیشتری می‌یابد. این‌جا تنها یک کس همه‌کارهٔ کشور است. رییس‌جمهور چون امپراتوری خودکامه کار می‌کند. پارلمان را تاریخ‌گذشته ساخته از اعتبار ساقط کرد و قضا را نیز زیر فرمان گرفته است. افرادی را در هر منطقه و هر قوم خریده است و به آنان دم و دستگاه ساخته است تا قلادهٔ برده‌گی به گردن بیندازند و وسیلهٔ سرکوب و برده‌گی مردم خود به نفع ارباب شوند.

اما؛

اگر عبدالرحمن، نادر، داوود، تره‌کی و ملا عمر نماند، اینان هم نمی‌مانند. امروز نه فردا، مردم به تنگ می‌آیند و به جنگ خواهند آمد. با هرچه در توان است، با اینان باید مقابله کرد، پیش از آنکه مجبور به سرنگونی این جاهلان گواهی‌نامه‌دار با خشم شوند. نگذارید یک بار دیگر کشور با خودکامه‌گان ویران شود!

کشکول جهان‌نما

ترکیه:

ترکیه تنها کشوری است که با داعش می‌جنگد

نخست‌وزیر ترکیه می‌گوید، "درحالی‌که جهان وانمود می‌کند با تروریسم می‌جنگد، ترکیه در جنگ واقعی با تروریستان قرار دارد." او همچنین اعلام کرد که زندان‌های ترکیه برای بازداشت‌شده‌گان جا ندارد.

بنعالی ییلدیریم، نخست‌وزیر ترکیه مدعی شد: "ترکیه تنها کشوری است که به درستی با داعش مقابله می‌کند."

اقای ییلدرم در جریان مراسم گشایش پروژه‌های محیط‌زیستی در انقره گفت: جهان وانمود می‌کند که با تروریسم و این گروه تروریستی در جنگ است، اما ترکیه واقعاً دارد این کار را انجام می‌دهد.

نخست‌وزیر ترکیه ادامه داد، انقره مشکل در الباب، سوریه را که مکانی استراتژیک در این کشور است، حل کرد. زنده‌گی در این شهر به حالت عادی بازگشته است.

روز پنجشنبهٔ هفته گذشته، فکری ایشک، وزیر دفاع ترکیه گفت، ارتش آزاد سوریه کنترل الباب را به دست گرفته‌اند.

عملیات موسوم به «سپر فرات» با پشتیبانی نیروهای ترکیه‌یی با هدف تأمین امنیت، حمایت از نیروهای ایتلاف تحت رهبری امریکا و از میان برداشتن حضور تروریستان در شمال سوریه هم مرز با ترکیه صورت گرفته است.

نخست‌وزیر ترکیه همچنین به این مسأله اشاره کرد که انقره به میزبانی حدود سه میلیون آوارهٔ سوری ادامه می‌دهد. ما به دنبال مقابله با پ.ک.ک، داعش و سازمان تروریستی فتح‌الله گولن هستیم.

ییلدیریم دربارهٔ بازداشت‌های پس از کودتا نیز گفت: زندان‌های کشور جا برای بازداشت‌شده‌گان ندارد و لذا زندانیان با جرایم خفیف‌تر به زندان‌های باز منتقل می‌شوند تا جا برای بازداشت‌شده‌گان پس از کودتای نافرجام ۱۵ جولای باز شود.

طبق قوانین مهاجرتی ترامپ، ملانیا باید از امریکا اخراج می‌شد

براساس بررسی‌های وکلای حوزهٔ مهاجرت در امریکا، ملانیا ترامپ، بانوی نخست این کشور در دههٔ ۱۹۹۰ با اشتغال غیرقانونی در حرفهٔ مدلینگ، شرایط روادیدش برای سفر به امریکا را نقض کرده و درصورتی‌که قوانین مهاجرتی ترامپ آن زمان صادر می‌شد، می‌بایست از امریکا مسترد شود.

در سال ۱۹۹۶ ملانیا ترامپ، همسر دونالد ترامپ، رییس‌جمهور امریکا درحالی‌که به عنوان یک گردشگر و با روادید گردش‌گری به امریکا سفر کرده بود، مدتی را در حرفهٔ مدلینگ مشغول به کار شد که این نقض شرایط روادید و ورود او به امریکا بود.

براساس اسنادی که خبرگزاری آسوشیتدپرس مشاهده کرده، بانوی نخستامریکا در آن زمان به مدت ۷ هفته قبل از آنکه مجوز قانونی کار در امریکا را دریافت کند، در حرفهٔ مدلینگ کار کرده بود و بیش از ۲۰ هزار دالر درآمد به دست آورده بود.

ملانیا ترامپ در سال ۲۰۰۱ درخواست گرین کارت داد و در سال ۲۰۰۶ تبدیل به شهروند امریکا شد، بدون آنکه بی‌ملاحظگی‌های گذشته‌اش در ارتباط با روادید امریکا را گزارش کند.

طبق قوانین جدیدی که دولت ترامپ در زمینهٔ مهاجرت اعلام کرده، مقامات مهاجرتی ملزم هستند برای استرداد یا اخراج هر شهروند خارجی که در ارتباط با هرگونه مسألهٔ رسمی یا درخواست در آژانس‌های دولتی دست به تقلب یا فریب عمدی زده باشد، اقدام کنند.

طبق گفته وکلای مهاجرتی، ملانیا ترامپ با نقض شرایط روادیدش در دههٔ ۱۹۹۰ مشمول این دستور می‌شده و اگر که دستور ترامپ در آن زمان اعلام شده بود،او می‌بایست از امریکا اخراج می‌شد.

ورزش

واکنش فیفا در پیوند به انتخابات فدراسیون فوتبال

بر بنیاد گزارش‌ها، دخالت‌های سیاسی روزهای اخیر در روند برگزاری انتخابات فدراسیون فوتبال کشور نگرانی‌های جدی فدراسیون جهانی فوتبال را در پی داشته است.

فیفا با ارسال نامه‌یی به دبیر کل فدراسیون فوتبال افغانستان اعلام کرده است که به دلیل شرایط نامساعد و عدم برگزاری انتخابات شفاف و صلح‌آمیز و برای جلوگیری از تشدید وضعیت جاری، انتخابات فدراسیون فوتبال برگزار نشود.

فیفا اعلام کرده است که در حال حاضر شرایط فرستادن نماینده برای بررسی انتخابات افغانستان را نیز ندارد.

این نهاد همچنان اعلام کرده است که تا زمان مشخص‌شدن تاریخ بعدی انتخابات و تصمیم بعدی فیفا که در اواسط ماه اپریل مشخص خواهد شد، تیم برحال فدراسیون امورات فوتبال افغانستان را پیش ببرند.

فیفا درحالی این اظهارات را مطرح می‌کند که گفته می‌شود در روز انتخابات برای گزینش رییس جدید فدراسیون فوتبال کشور، شماری از نماینده‌گان مجلس وارد این فدراسیون شده و تلاش کرده‌اند در این انتخابات مداخله کنند.

مسابقات اسکی جوانان در بامیان برگزار شد

مسابقات اسکی جوانان در ولایت بامیان به مناسبت گرامی‌داشت شهدای امنیت ملی افغانستان برگزار شد.

در این دوره از مسابقات که به همت نهاد مالی ریاست عمومی امنیت ملی کشور برگزار شد، بیش از ۷۰ اسکی‌باز از سراسر افغانستان در سه بخش نوجوانان، جوانان و بانوان به رقابت با یکدیگر پرداختند.

این مسابقات بین ۷۴ ورزشکار بانو و مرد در رده‌های سنی جوانان، نوجوانان و نوجوانان بین شش تیم برگزار شد.

محمد افضل نوری، رییس فدراسیون اسکی گفته است: در این مسابقات نصرالله عادلی از باشگاه عقاب، مجتبی هزاره از باشگاه بابا اوریست و مجتبی مبارز از باشگاه چب دره به ترتیب مقام اول ،دوم و سوم را کسب کردند.

در بخش بانوان، سحر نوری از باشگاه عقاب، زهرا نوری از باشگاه چب دره و ریحانه محمدی از باشگاه صلصال به ترتیب اول، دوم وسوم شدند.

رئال‌مادرید هافبک ۱۷ ساله سائوپائولو را خرید

سفیدپوشان پایتخت اسپانیا با هافبک نوجوان برزیلی تیم فوتبال سائوپائولوی برزیل به توافق رسیده‌اند و او را در پایان فصل به خدمت خواهند گرفت.

آگوستو گالوان، هافبک ۱۷ ساله تیم فوتبال سائوپائولو با رئال‌مادریدقرارداد بسته است و از تابستان سال آینده می‌تواند به کهکشانی‌ها ملحق شود.

رئال‌مادرید به دلیل محرومیت ٦ ماهه‌اش از خرید بازیکن جدید، نتوانست در ماه جنوری امسال بازیکن بخرد، اما این باشگاه از تابستان دوباره می‌تواند طبق روال هر سال اقدام به تقویت ترکیب خود کند و به این منظور بازیکنی که ۲۵ مارچ، برای رفتن به فوتبال اروپا به سن قانونی می‌رسد را خریده است.

گالوان در بدو ورودش به تیم رئال‌مادرید کاستیا ملحق خواهد شد. در همین حال، سایت گلوبو اسپورت هم ادعا می‌کند که هزینهٔ انتقال گالوان به رئال‌مادرید یک میلیون یورو به عنوان رقم پایه و دو میلیون دیگر به عنوان پاداش و سایر امتیازات بوده است.

رئال‌مادرید بازیکنی را به خدمت گرفته است که باشگاه بارسلونا هم برای جذب او وسوسه شده بود. این باشگاه از ماه اکتبر مذاکرات خود را برای خرید گالوان آغاز کرده بود.

◄ **مدیر مسؤول:** نظری پریانی – ۰۷۰۰۲۶۳۱۵۲
nazari.paryani@yahoo.com
ویراستار : روح الله یوسف زاده
مدیر خبر : جمشید یما
گزارشگران: ناجیه نوری، محمد هارون مجیدی، ابوبکر صدیق، روح‌الله بهزاد و ننگیالی عثمانی
برگ آرایی: مجیب‌الله احمدی– ۰۷۸۶۶۰۵۶۶۱

نشانی برقی: mandegar.daily@gmail.com **وب سایت:** www.mandegardaily.com
شماره تماس: ۰۷۵۲۰۴۴۲۱۰
مسؤول توزیع: حبیب الله – ۰۷۰۸۱۶۹۸۲۸
نشانی: سرک ۱۳ وزیراکبرخان، کوچه چهارم دست چپ
به جز «سخن ماندگار» مسؤولیت دیگر نبشته‌ها به نویسنده‌گان برمی گردد.
چاپ: مطبعه امام – ۰۷۹۹۱۴۲۹۹۹

Year 8 ❁ NO 1972 ❁ Sunday 28 February 2017

DAILY
Mandegar

انسان مدرن و قحطی اندیشه

هارون مجیدی

«انسان مدرن از این چشم‌انداز» که سفرنامهٔ تحلیلی عبدالبشیر فکرت، استاد دانشگاه کابل است، از نشانی انتشارات سعید به نشر رسید.
این کتاب در ۱۲۹ برگ ارایه شده و شامل دو بخش می‌باشد که بخش نخست آن یادداشت‌های سفر نویسنده از فرانسه و تحلیل زنده‌گی، اندیشه و برداشت‌های شرق و غرب را در بردارد و بخش دوم آن شامل مقالاتی در پیوند به زنده‌گی امروز و انسان مدرن است.
زحمت طرح جلد و برگ‌آرایی «انسان مدرن از این چشم‌انداز» را اکرام‌الدین سعیدی کشیده و در هزار نسخه به چاپ رسیده است.
چنانی که در این اثر هم آقای فکرت واضح ساخته است، انسان در جهان امروز با گونه‌های فراوانی از برداشت در پیوند به پیرامون، زنده‌گی، هستی و خودش روبه‌رو است و بوده‌اند انسان‌های فراوانی که چشم‌انداز و برداشت خود را از زنده‌گی و چگونه زیست انسان نوشته‌اند.
نویسنده در این اثر، برداشت‌های خود را از انسان مدرن ارایه می‌کند و تصویر تمام‌نمایی از انسان مدرن و چگونه بودن او را ارایه می‌دارد.
عبدالبشیر فکرت در یادداشتی بر کتاب انسان مدرن از این چشم‌انداز، نوشته است: روزگار ما را می‌توان روزگار قحطی اندیشه دانست.
اندیشیدن در این سرزمین، از دوردست‌ها به این‌سو، همواره در «گم‌نامی» و «نبودن» به‌سر برده است.
به باور آقای فکرت: اثرهایی که در کشور و زمان ما، به‌ویژه در ساحات علمی به چاپ می‌رسند، بیش از همه، فراچنگ‌آوری مطالب مختلف از منابع گوناگون و تألیف آن‌ها به شکل یک اثر مطبوع است که نوآوری و خلاقیت چندانی در آن‌ها به چشم نمی‌خورد.
آقای فکرت در ادامهٔ این یادداشت نوشته است که تألیف چنین آثاری را قطع نظر از سودمندی‌هایی که با خود به همراه دارد، می‌توان نتیجهٔ افکار گوناگون و حتا ناهمگون دیگران دانست و اما او در این اثر حاصل چشم‌دید و برداشتش را نوشته است.
نویسندهٔ کتاب انسان مدرن از این چشم‌انداز باور دارد که روش زنده‌گی انسان مدرن جنبه‌های مثبت و منفی بسیاری دارد که بایست موضوع پژوهش‌های عمیق‌ترِ معرفت‌شناختی و جامعه‌شناختی قرار گیرد.
آنچه در کتاب انسان مدرن از این چشم‌انداز مطرح شده، نیم‌نگاه نقادانه‌یی‌ست که لااقل به قداست‌زدایی از ارزش‌هایی که انسان مدرن با آن می‌زید و برای شماری از هم‌نسلان نویسنده، خطاناپذیر و تابووراه پنداشته می‌شود، کمک شایانی خواهد کرد.
آقای فکرت به این باور است که انسان غربی از بیرون وارد شد و واقعیت را شناخت و رام دستان قدرت‌مند خودش ساخت؛ اما انسان شرقی از درون و با معنویت خواست جهان را بشناسد و از معنویت به واقعیّت حرکت کرد و نهایتاً راه‌مانده شد. او به‌جای آنکه واقعیّت را با واقعیت بشناسد و خودش را تابع قواعد حاکم بر واقعیت قرار دهد، سعی کرد واقعیت را تابعِ وضع و حال درونی خویش قرار دهد. بی‌خبر از آنکه، واقعیت دارایِ عینیت است و با چگونه‌گی وضع و حال ما تغییر نخواهد کرد. انسان شرقی با این وصف، به دین، عرفان و اشراق پناه برد و انسان غربی بر سکوی تجربه و حس تکیه زد. همین‌جا بود که انسان شرقی، درون‌گرا و متفطّن بار آمد و انسان غربی تجربه‌گر و بیرون‌بین. شرق خودش را شناخت، اما جهان را به عنوان یک واقعیت از یاد برد و گمان کرد که شناخت خود، برای شناخت جهان نیز کافی است؛ اما غرب برعکس، جهان را به تماشا و تجربه نشست و فرصتی برای چشم گشودن به خود نیافت.
عبدالبشیر فکرت در سال ۱۳٦٦ خورشیدی در کابل به دنیا آمده و سند کارشناسی ارشد در رشتهٔ شریعت و قانون دارد. او استاد در بخش عقیده و فلسفه در دانشکدهٔ شرعیات دانشگاه کابل نیز است.
آقای فکرت یکی از همکاران همیشه‌گی روزنامهٔ ماندگار است که بخشی از یادداشت‌ها و مقالات آمده در این کتاب نیز پیش از این در ماندگار به نشر رسیده‌اند.

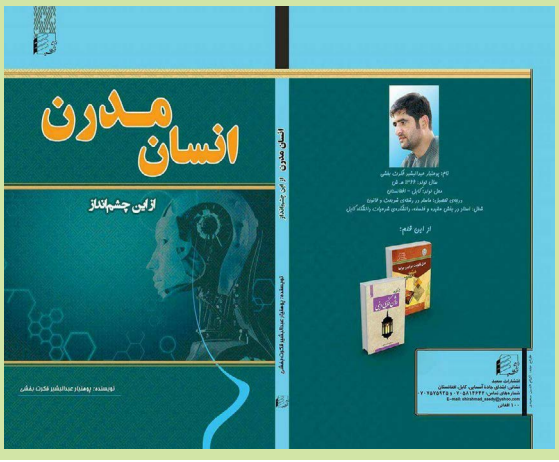

پروژهٔ همبسته‌گی ملی بسته شد

برنامهٔ همبستگی ملی،بزرگترین برنامه توسعه‌ای چهارده ساله پسیندر افغانستان پایان یافت.
این برنامه که در راستای توسعهٔ روستاها کار می‌کرد در سال ۲۰۰۳راه‌اندازی شده بود.
وزارت احیا وانکشاف دهات افغانستان، نماینده‌گان بانک جهانی و موسسات خارجیروز شنبه(۷حوت) در نشستی خبری همزمان با اعلان پایان برنامه همبستگی ملی، گزارش مفصلی از نتایج این برنامه ارایه کردند.
شهیر شهریار، معین برنامه‌های وزارت احیا وانکشاف دهات گفت که برنامه همبستگی ملی به طور موثر ومفید در کشور تطبیق شده است.
آقای شهریار تأکید کرد که در چهارده سال گذشته ۳٤موسسهٔ خارجی در همکاری با حکومت افغانستان این برنامه را تطبیق کرده اند.
وی افزود که بدون همکاری و سهم‌گیری موسسات خارجی...
ادامه صفحه ٦

کابل و گوسفندانش...

روح‌الله بهزاد

این روزها بوی بد زباله‌ها و هم‌چنان رمه‌های گوسفندان در حال چریدن در بالای کثافات اطراف خیابان‌های شهر کابل، در کنار چالش‌های دیگر مانندشلیک‌ها، رژه‌های موترهای پولیس، آماده‌باش نیروهای امنیتی، انفجار و... که اثرهای ناگواری را بر روان شهروندان به‌جا گذاشته است، این شهر را تقریباً غیرقابل‌تحمل برای باشنده‌گان آن ساخته است. زباله‌های بوگینی که جان هزاران شهروند را تهدید می‌کند.
شاید در هیچ کشور جهان، به ویژه در کشورهای جهان سومی و عقب‌مانده به اندازهٔ افغانستان، شهروندان و مسوولان نسبت به حفظ و نگه‌داشت نظافتِ شهرشان بی‌توجه نباشند.
درحالی‌که بیشتر اوقات، تقصیرِ این بی‌توجهی به گردن مسوولان حکومتی و پول‌داران انداخته می‌شود؛ اما هرشهروند در این زمینه مسوولیت دارد و می‌تواند به سهم خود و به تنهایی، نقش خود را در بهبود این وضعیت انجام دهد.
بعد از به پایان رسیدن جنگ‌ها و شکل‌گیری حکومت جدید در کشور، بسیاری‌ها از مناطق دور دست کشور به مرکز سرازیر شدند و بر جمعیت شهر کابل افزودند. این وضعیت آهسته‌آهسته به جایی کشید که کابلی را که بیش از ۳ میلیون تن را گنجایش نداشت، مجبور ساختند تا بیش از ٦ میلیون انسان را در خود جا دهد و تحمل کند.
آنانی‌که از روزهای نخست شکل‌گیری حکومت جدید در کابل زنده‌گی می‌کردند، به مرور زمان با به وجود آمدن رسانه‌های اجتماعی و آغاز داد و ستد فرهنگی با سایر کشورها، با فرهنگ شهرنشینی آشنا شدند و با آن خو گرفتند، اما آنانی که در در سال‌های اخیر از ولایات دوردست و روستاها به کابل مهاجر شدند، دردا و دریغا که با فرهنگ شهرنشنی بیگانه بودند و تا جایی این فرهنگ را حفظ نمی‌کنند. همین امر سبب شده است تا از نظافت و بهداشت شهر کابل کاسته شود.
بارها مقامات ادارهٔ حفاظت از محیط‌زیست، وزارت صحت عامه و هم‌چنین شهرداری کابل از آلوده‌گی کابل و وضعیت بحرانی محیط‌زیست خبر داده‌اند.
با این‌همه، نمی‌توان مسوولان حکومت بویژه شهرداری کابل را در این زمینه براعت داد. وظیفهٔ شهرداری است تا از یک‌سو اگر مسوول پاک‌کاری شهر است، از سوی دیگر، مسول‌اند تا برای شهروندان آگاهی‌دهی کنند.
از سویی هم، کارشناسان محیط‌زیستی باور دارند که اگر حکومت زباله‌ها را درست مدیریت کند، می‌تواند با استفاده از آن، انرژی برق و یا آب‌های زراعتی تولید کند.
رمه‌های زباله خور!
اوضاع زمانی بدتر می‌شود که شماری از رمه‌داران با رمه‌های‌شان به اطراف این زباله‌ها می‌رسند و از مواد فضله و به شدت کثیف‌شدهٔ زباله‌های اطراف سرک، رمه‌های‌شان را تغذیه می‌کنند تا چاق‌وچله شده، گران‌تر به فروش برسد.
بسیار از پزشکان بر این باوراند که رمه‌هایی که از زباله‌های اطراف شهر تغذیه می‌کنند، «به هیچ‌وجه» بهداشتی نیستند و هرگاه کسی از گوشت آن بخورد، سبب امرض گوناگو در بدنش خواهد شد.
احمد فرید، یکی از مسوولان ترافیک در منطقهٔ قلعهٔ نجارها به روزنامهٔ ماندگار می‌گوید، زباله‌های موجود در اطراف سرک در بسیار مواقع هم سبب بندش جاده شده است و هم سبب حادثات ترافیکی.
آقای احمد فرید در ادامهٔ سخنانش بیان داشت که رمه‌داران تعداد ۲۰ تا ۳۰ رأس رمه را در گوشهٔ از سرک و بالای زباله‌ها ایستاده می‌کنند که هم برای ما با بدکردن مسیر مشکل ایجاد می‌کند، هم برای شهروندان با به وجود آوردن حادثات ترافیکی.
به یاد دارم، چند سال پیش در یکی کارگاه‌های آموزشی برای به مسألهٔ «سیاره» غرض آموزش ژورنالیسم صلح دعوت شده بودم. یکی از استادان خارجی ما در جریان آموزش گفت که افزایش رمه‌های گوسفند در شهر کابل آن‌هم در فصل‌های معین برای‌مان پرسش‌برانگیز شده بود و ما نیز در این زمینه دست به پژوهش زدیم.
استاد خارجی ما گفت که یافته‌های ما نشان داد که این رمه‌های در فصل حاصل‌گیری تریاک بیشتر می‌شوند و قاچاق‌بران تریاک از این گوسفندان به عنوان ابزارحمله و نقل مواد مخدر استفاده می‌برند!
با توجه به آنچه گفته آمد، خوب است برای این‌که ما در آینده بتوانیم شهر پاک داشته و در آن از زنده‌گی صحت‌مندتر از حالت کنونی برخوردار باشم، این وظیفهٔ شهروندان است که باید در پاک نگه‌داشتن شهر توجه به خرج دهند. سهم‌گیری ما در پاکی شهر و مدیریت زباله‌ها یعنی این‌که ما هم برای صحت‌مندی شخص خودمان اهمیت قایل هستیم و هم به صحت و سلامتی دیگران احترام می‌گذاریم.
برای این‌که هم خودمان و هم اعضای خانواده و بسته‌گان ما سالم و صحت‌مند باشند، بیایید شهر خود را پاک نگه‌داریم. بیایید از انداختن زباله در هرجا خودداری کنیم، بدون شک یکی از مهم‌ترین بخش اخلاق شهروندی همین امر است؛ ارزش‌دادن به صحت و سلامت خود و دیگران از طریق پاک نگه‌داشتن شهر و محیط زنده‌گی.